

موردکاوی تربیتی (۲)

در لوای هیئت

موردکاوی کانون رهپویان وصال شیراز



موردکاوی تربیتی (۲) - در لوای هیئت؛
موردکاوی کانون رهپویان وصال شیراز
کاری از: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی
تهیه کننده: شعبه مشهد
گردآوری: جمعی از نویسندگان

نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: اردیبهشت ۱۳۹۴
طراحی جلد و صفحه آرایی: محمد طالب زاده و سیدمصطفی شفیعی
ویرایش ادبی: محسن احمدی
آدرس: تهران، تهرانپارس، تقاطع بزرگراه شهید باقری و
رسالت، خیابان شهید صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲
تلفن: ۷۷۷۲۱۰۱۹
تارنما: http://tarbiateslami.com
پست الکترونیکی: research@tarbiateslami.com
حق چاپ برای مرکز محفوظ است.

پیشگفتار

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی به عنوان یک نهاد تربیتی پیشرو، پیش برنده و الگو، بخشی از اتاق فکر تربیت اسلامی کشور است که با رویکرد تولید اندیشه و الگوسازی و با اولویت شجره طیبه صالحین فعالیت می کند و بر آن است تا با جذب افراد متعهد (مؤمن جهادی) و متخصص (دانشگاهی و حوزوی) و توانمندسازی و به‌کارگیری مؤثر ایشان در حوزه های مختلف تربیت اسلامی و ایجاد منظومه ای متشکل از مجموعه های متنوع آموزشی، پژوهشی و الگوسازی، نقش بسزایی را در تحقق آرمان های بلند انقلاب اسلامی ایفا نموده و به بازوی فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی تبدیل گردد.

پژوهش پیش رو تلاشی است در راستای تحقق اهداف این مرکز، که با همکاری پژوهشگران و صاحب نظران و در راستای نقشه علمی مرکز آماده و تولید شده است، از این رو مدیریت پژوهش و نشر نیز می کوشد تا با پشتیبانی و حمایت از پژوهشگران و فعالان حیطه های مرتبط در مسیر رفع نیازهای پژوهشی و کاربردی انقلابی اسلامی گام بردارد.

مدیریت پژوهش و نشر
مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

چکیده

کانون رهپویان وصال شیراز، به‌عنوان یکی از مجموعه‌های تربیتی موفق سطح کشور، از سال‌های آغازین بعد از دفاع مقدس، توسط حجت‌الاسلام سید محمد انجوی‌نژاد، راه‌اندازی شد و از همان ابتدا، به جذب و تربیت نوجوانان اقدام نمود. این کانون، در فعالیت‌های خود، چهار هدف عمده را پیگیری می‌کند که عبارت‌اند از زمینه‌سازی برای ظهور، مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی، پاسخگویی به نیاز جوانان و نهادینه کردن فرهنگ در زندگی افراد. در همین راستا، یکی از عمده‌ترین برنامه‌های آن، هیئت است که مخاطب زیادی را در برمی‌گیرد. بخش دوم مجموعه، کانون رهپویان وصال است؛ یک مجموعه گسترده با کارویژه‌های متنوع. این کانون، معاونت‌های متعددی در زیرمجموعه خود دارد که به فعالیت‌های مختلفی، چون کارهای پشتیبانی، اجرایی، مالی و فرهنگی می‌پردازد. فرایند تربیتی کانون، در سه مرحله جذب، تثبیت و رشد متمرکز گردیده است که هرکدام، برنامه‌های خاص خود را دارند. برخی از اصول تربیتی که در این مجموعه پیروی می‌شود، عبارت‌اند از نظام متربی‌محور، پایین به بالا بودن تربیت، تحمل انتقادهای مخرب، نیازمحوری، شاخص بودن ولایت در مسائل سیاسی، استمرار کار تربیتی و... . کانون، دو دسته برنامه ثابت و متغیر دارد که متناسب با اهداف و اصولی که برای کار خود در نظر گرفته است، این برنامه‌ها را اجرا می‌کند. نظام مالی کانون، بر پول گرفتن از دولت متمرکز شده است و خودشان روی کار اقتصادی تمرکز نکرده‌اند؛ هرچند که در قالب معاونت‌هایی که در این مجموعه تشکیل شده است، تعدادی از جوانان کانون مشغول به فعالیت فرهنگی- اقتصادی شده‌اند.

فهرست

چکیده ۵

فصل اول: تاریخچه، مبانی و اصول کانون رهپویان وصال ۱۳

گفتار اول: فرایند شکل‌گیری و توسعه کانون ۱۴

گفتار دوم: انفجار در حسینیه کانون ۱۸

گفتار سوم: اهداف، مبانی و اصول کار فرهنگی و تربیتی در کانون ۲۰

۱- اهداف کانون ۲۰

۱-۱- زمینه‌سازی برای ظهور ۲۰

۱-۲- مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی ۲۰

۱-۳- پاسخگویی به نیاز جوانان ۲۰

۱-۴- نهادینه کردن فرهنگ در زندگی افراد ۲۱

۲- مبانی کار فرهنگی کانون ۲۲

۲-۱- درد دین داشتن ۲۳

۲-۲- شناخت استعدادهای خود ۲۳

۲-۳- بستر اهل‌بیت و هیئت ۲۳

۲-۳-۱- هیئتی بودن همه در کار تربیتی ۲۵

۲-۴- عدم محدودیت به مکان خاص ۲۵

۲-۵- اصالت کار تشکیلاتی ۲۵

۳- اصول کار تربیتی در کانون ۲۵

۳-۱- نظام متربی‌محور ۲۵

۳-۲- تربیت از پایین به بالا ۲۶

۳-۳- تحمل انتقادهای غیرعقلانی ۲۶

۳-۴- پذیرش نقد درست از کسی که بر مجموعه اشراف دارد ۲۷

۳-۵- تربیت حرفه‌ای کادر ۲۷

۳-۶- نیازمحوری ۲۷

۳-۷- گسترش تشکیلات بر اساس میزان نیرو ۲۸

۳-۸- دیدن الگوهای مختلف برای غنای کار تربیتی ۲۸

۳-۹- کامل نشدن تربیت جز در جمع ۲۸

۳-۱۰- لزوم استمرار کار اخلاقی و تربیتی بر روی خود ۲۹

۳-۱۱- کامل شدن تربیت در حین عمل ۳۰

۳-۱۲- لزوم بومی بودن کار تربیتی ۳۰

۳-۱۳- نفی تربیت فرد فارغ از عرصه عمل ۳۰

۳-۱۴- پذیرش اشتباهات ۳۱

۴- اصول تشکیلاتی کانون ۳۱

۴-۱- نگاه امیدوارانه به آینده تشکیلات ۳۱

۴-۲- بازخواست مداوم از خود و تشکیلات در کار ۳۱

۴-۳- حرکت مداوم و کم‌ریزش ۳۲

۴-۴- ایجاد تشکیلات در صورت بودن نیرو به‌اندازه کافی ۳۲

۴-۵- ایجاد ساختار متناسب با خصوصیات نیرو ۳۲

۴-۶- ممنوعیت دوشغله بودن مسئول واحد ۳۳

۴-۷- گزینش کادر ۳۳
۴-۸- تعامل با دیگر مجموعه‌ها ۳۳
۴-۹- «سمن» شدن واحدها برای حفظ در زمان ۳۳
۴-۱۰- وحدت بر سر پیروزی تشکیلات ۳۴
۴-۱۱- نوکری اهل‌بیت، به‌عنوان تنها منصب تشکیلاتی ۳۴
۴-۱۲- همدلی ۳۴
۴-۱۳- خراب نکردن ارتباط میان اعضا ۳۴
۴-۱۴- مهم‌تر دانستن دیگری در تشکیلات ۳۵
۴-۱۵- مهر و گذشت سیستم اخلاقی کانون ۳۵
۴-۱۶- کار اثباتی کردن در مقابل انتقادها ۳۶
۴-۱۷- «رحماء بینهم»، تنها اصل ضروری تشکیلات ۳۶
۴-۱۸- منع شدید غیبت در تشکیلات ۳۷
۴-۱۹- توجه اعضای کادر به ظاهر و جسم ۳۷
۴-۲۰- افتخار به داشتن دشمن، در کنار نترسیدن از آن ۳۷
۴-۲۱- خوب برخورد کردن با مردم ۳۷
۴-۲۲- تحول فرد، مایه تحول تشکیلات ۳۷
۴-۲۳- خضوع در ظاهر و خشوع در باطن ۳۸
۴-۲۴- نقش محتوایی کادر در تأمین اخلاقی اعضا ۳۸
۴-۲۵- اشک روزانه کادر ۳۹
۴-۲۶- اهل ذکر و چله بودن ۴۰
۴-۲۷- بزرگ‌تر شدن تشکیلات همراه با کوچک‌تر شد نفس ۴۰
۴-۲۸- توجه به خانوادهٔ اعضای تشکیلات ۴۰
۴-۲۹- حل مشکلات تشکیلات با ریش‌سفیدی ۴۱
۴-۳۰- سرویس‌دهی به مدارس ۴۱
گفتار چهارم: فعالیت سیاسی در کانون ۴۳
۱- سیاست، ابزار خدمت ۴۳
۲- حضور همیشگی کانون در فعالیت‌های سیاسی ۴۳
۳- دین، زیربنای سیاست ۴۴
۴- شرایط افرادی که از سوی کانون وارد عرصه سیاست می‌شوند ۴۴
۵- رابطه میان شعار و عمل در عرصه سیاست ۴۵
۶- مدیریت بسیجی، بهترین نوع مدیریت سیاسی ۴۵
۷- ارتباط با دیگر گروه‌ها در شهر ۴۵
فصل دوم: ساختار و فعالیت‌های کانون ۴۷
گفتار اول: روش کار تربیتی در کانون ۴۸
۱- نماز جماعت ۴۸
۲- جلسات هفتگی ۴۸
۳- مناسبت‌ها ۴۹
گفتار دوم: ساختار تشکیلاتی کانون ۵۰
۱- هیئت ۵۱
۱-۱- منبر ۵۱

۱-۲- مداحی ۵۱
۱-۲-۱- انواع شعر در مداحی ۵۱
۱-۲-۲- استفاده از فنون مداحی در هیئت ۵۲
۱-۲-۳- جمع کمال، جمال و مقتل در مداحی ۵۳
۱-۲-۴- فعال‌ترین تشکل در دعوت از مداحان برجسته کشور ۵۴
۲- کانون رهپویان وصال ۵۴
۲-۱- معاونت پشتیبانی و مالی ۵۴
۲-۱-۱- واحد پرسنلی ۵۴
۲-۱-۲- واحد انتظامات ۵۴
۲-۱-۲-۱- الف بخش اجرایی ۵۵
۲-۱-۲-۲- بخش فرهنگی ۵۵
۲-۱-۲-۳- بخش ورزشی ۵۶
۲-۱-۳- واحد ترابری ۵۶
۲-۲- معاونت روابط عمومی ۵۶
۲-۳- معاونت اجرایی ۵۷
۲-۳-۱- واحد تدارکات ۵۷
۲-۳-۱-۱- الف) برنامه‌های اجرایی ۵۷
۲-۳-۱-۲- برنامه‌های فرهنگی ۵۷
۲-۳-۲- واحد امداد و نجات ۵۷
۲-۳-۳- واحد تبلیغات ۵۸
۲-۴- معاونت فرهنگی ۵۹
۲-۴-۱- واحدهای سیستم متمرکز ۵۹
۲-۴-۱-۱- صندوق قرض‌الحسنه وصال ۵۹
۲-۴-۱-۲- واحد لشکر رسانه‌ای ۵۹
۲-۴-۱-۳- واحد خیریه ۶۱
۲-۴-۱-۳-۱- طرح‌های اجرایی خیریه ۶۲
۲-۴-۱-۳-۲- برنامه‌های فرهنگی برای خانواده‌های تحت پوشش ۶۳
۲-۴-۱-۴- واحد نوارخانه و کتابخانه ۶۳
۲-۴-۱-۵- واحد تربیت‌بدنی ۶۴
۲-۴-۱-۶- مؤسسه میعاد وصل ۶۴
۲-۴-۱-۷- واحد علمی تحقیقاتی باصر ۶۵
۲-۴-۱-۸- واحد نخبگان ۶۶
۲-۴-۱-۹- ی) واحد دانشجویی ۶۶
۲-۴-۱-۱۰- ک) واحد قرآنی ۶۷
۲-۴-۱-۱۱- واحد شهدا ۶۹
۲-۴-۱-۱۲- واحد طلاب ۷۰
۲-۴-۱-۱۲-۱- گروه احکام ۷۰
۲-۴-۱-۱۲-۱-۱- برنامه‌های ثابت ۷۱
۲-۴-۱-۱۲-۱-۲- برنامه‌های مقطعی ۷۱
۲-۴-۱-۱۲-۲- گروه مبلغین ۷۱
۲-۴-۱-۱۲-۳- گروه تحقیقات ۷۱

۲-۴-۱-۱۲-۴- گروه اصول عقاید ۷۱
۲-۴-۱-۱۲-۵- گروه شیعه شناسی ۷۱
۲-۴-۱-۱۲-۶- گروه تبلیغات ۷۲
۲-۴-۲- واحدهای سیستم غیرمتمرکز ۷۲
۲-۴-۲-۱- مرکز پزشکی سنتی رهپویان وصال ۷۲
۲-۴-۲-۲- فروشگاه فرهنگی صوت الحسین ۷۲
۲-۴-۲-۳- کارگاه دوخت ۷۲
۲-۴-۲-۴- واحد هنرهای نمایشی ۷۲
۲-۴-۲-۵- واحد سمعی و بصری ۷۳
۲-۴-۲-۶- واحد آیتی ۷۴
۲-۴-۲-۶-۱- روند تربیتی در واحد ۷۶
۲-۴-۲-۶-۲- دلایل اعتقادی، مهم‌ترین دلیل ثبات در واحد ۷۷
۲-۴-۲-۷- واحد دانش‌آموزی ۷۸
۲-۴-۲-۷-۱- آموزشگاه رهپویان وصال ۷۹
۲-۴-۲-۷-۲- دبیرستان شهدای رهپویان وصال ۸۰
۲-۴-۲-۷-۲-۱- وجه تمایز مدرسه کانون با دیگر مدارس ۸۱
۲-۴-۲-۷-۲-۱-۱- ارتباط دانش‌آموز با جامعه ۸۱
۲-۴-۲-۷-۲-۱-۲- حمایت همیشگی کانون از دانش‌آموز ۸۱
۲-۴-۲-۷-۲-۱-۳- امتیازات کادر مدرسه ۸۱
۲-۴-۲-۷-۲-۱-۴- استفاده از دبیران مجرب مدارس نمونه دولتی، پیش‌دانشگاهی و دبیرستان‌های مطرح ۸۲
۲-۴-۲-۷-۲-۱-۵- جایگاه ویژه فعالیت‌های فوق‌برنامه در مدرسه ۸۲
۲-۴-۲-۸- پایگاه مقاومت شهید چمران ۸۶
گفتار سوم: فرآیند تربیتی کانون ۸۹
۱- جذب ۸۹
۱-۱- شیوه جذب ۹۰
۱-۲- ۱-۲. عوامل جذب نیرو به هیئت ۹۰
۱-۲-۱- ۱-۲-۱. جذابیت بیانی ۹۰
۱-۲-۲- ۱-۲-۲. تشکیلات ۹۱
۱-۲-۳- ۱-۲-۳. روحانی، مداح هیئت ۹۱
۱-۲-۴- ۱-۲-۴. جذابیت مداحی و سینه‌زنی ۹۱
۱-۲-۵- عدم تکرار در محتوای سخنرانی ۹۲
۱-۲-۶- منبرهای با پشتوانه ۹۲
۱-۲-۷- حضور پرشور جوانان ۹۲
۱-۲-۸- روحیه جهادی و اخلاص مسئولین مجموعه ۹۲
۱-۲-۹- به‌روز بودن مربی ۹۲
۲- تثبیت ۹۲
۲-۱- فضاسازی ۹۳
۲-۲- پیوند کار با زندگی ۹۳
۲-۳- امتحان گرفتن بعد از جذب ۹۴

۲-۴- درگیر کردن خانواده ۹۵
۳- رشد ۹۵
۳-۱- مسئولیت دادن در هیئت ۹۵
۳-۲- ارتباط مستمر مسئول واحد با نیرو ۹۶
گفتار چهارم: برنامه‌های کانون ۹۷
گفتار پنجم: آسیب‌شناسی ۹۹
۱- آسیب‌شناسی کانون ۹۹
۱-۱- فاصله گرفتن نیروهای اجرایی از معارف ۹۹
۱-۲- کار عمومی خاشاک دارد ۱۰۰
۱-۳- وجود واحدهای آسیب‌زا ۱۰۰
۱-۴- غرور ۱۰۰
۱-۵- کمبود فعالیت‌های قرآنی ۱۰۱
۱-۶- غلبه کمیت بر کیفیت ۱۰۱
۱-۷- کم شدن امکان کار عمیق تربیتی در هیئت ۱۰۱
۲- آسیب‌شناسی سایر مجموعه‌های تربیتی ۱۰۲

فصل اول: تاریخچه، مبانی و اصول کانون رهپویان وصال

گفتار اول: فرایند شکل‌گیری و توسعه کانون

من سابقهٔ طلبگی داشتم. در مدرسه باقرالعلوم مشهد، طلبهٔ آقای دیانی بودم. بعد هم که رفتم به دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد. تا پایان ترم پنجم وضعیت به این منوال بود که به جبهه می‌رفتم و در ایام امتحانات برمی‌گشتم و در امتحانات شرکت می‌کردم. بعد از جنگ هم چون پاسدار بودم، سپاه با تحصیلم در دانشگاه رضوی موافقت نکرد؛ لذا مجبور شدم در کنکور شرکت کنم.

در آن زمان فقط برای رشته مدیریت دانشجو می‌خواستند؛ بنابراین، مجبور شدم که در همان رشته ادامه تحصیل بدهم؛ بنابراین، در رشته مدیریت دانشگاه شیراز قبول شدم؛ اما با توجه به این‌که پایه اولیه من طلبگی بود، هم‌زمان یکسری از دروس حوزوی را هم می‌خواندم.

بعد از این‌که تحصیلات مدیریتی‌ام تمام شد، با سپاه تسویه کردم و به حوزه برگشتم. دو سالی در حوزه باقرالعلوم قم، به‌صورت مکاتبه‌ای درس خواندم؛ زیرا شرایط این را که بخواهم سر کلاس حضور داشته باشم، نداشتم.

من مؤسس اولین هیئت دانشگاهی در دانشگاه‌های کشور هستم. در سال ۶۹ اولین هیئت دانشگاهی را تأسیس کردم. آن زمان، در دانشگاه‌ها هیئت مرسوم نبود. البته هیئت وجود داشت؛ اما فقط در ایام محرم و مناسبت‌ها؛ این‌گونه نبود که هر هفته هیئت باشد. نام هیئت را «محبین اهل بیت علیهم‌السلام» گذاشتیم که بعد شهرهای دیگر هم به این اسم هیئت تأسیس نمودند و کار کردند.

تجربیات آن هیئت خیلی مؤثر بود. به همین خاطر، بعد از فارغ‌التحصیلی، به اتفاق پنج نفر از دوستانم که در دانشگاه با هم آشنا شده بودیم، یک سالی در شهر در هیئت‌های مختلف رفت‌وآمد

کردیم و به این نتیجه رسیدیم که خودمان باید یک الگوی ثابت داشته باشیم؛ بنابراین، یک کار مستقلی را آغاز کردیم.

از آن پنج نفر اولیه، چهار نفر بچه‌های جنگ بودند که تحصیلات دانشگاهی هم داشتند و دو نفر هم سابقه جبهه نداشتند؛ چون سنشان به جنگ نمی‌خورد. این‌ها از شهر می‌آمدند در جلسات ما شرکت می‌کردند. ما هم ازآنجا این‌ها را شناختیم. یکی از آن‌ها به تهران رفت و هنوز با ما ارتباط دارد. یک نفر دیگر هم به دلایلی در جای دیگری است و چهار نفر دیگر هم که اینجا هستند. درواقع، ما گروهی بودیم که دوست داشتیم جهاد را در کار فرهنگی ادامه دهیم. همه ما عضو بسیج بودیم.

مجموعه رهپویان وصال بعد از انتخابات دوم خرداد سال هفتادوشش تأسیس شد و کسانی که آن زمان پا به این کار مقدس گذاشتند، شاید در یک غربت فرهنگی این کار را شروع کردند؛ چون جو جامعه خلاف آن چیزی بود که ما می‌خواستیم حرکت کنیم. بالاخره بحث خاصی که آقای خاتمی و کابینه ایشان و ادبیاتی که ایجاد کرده بودند با آن کاری که ما می‌خواستیم انجام بدهیم همخوانی نداشت.

قبل از وقایع سال ۷۶، ما در هیئت دیگری فعالیت می‌کردیم؛ اما اتفاقات آن دوران باعث ایجاد اختلاف و انشقاق در هیئت شد. قضیه هم ازاین‌قرار بود که از میان سه کاندیدایی که در انتخابات حضور داشتند، یک عده طرفدار آقای خاتمی بودند و یک عده طرفدار آقای ناطق نوری؛ اما کاندیدای موردنظر ما آقای ری‌شهری بود؛ زیرا ما عقیده داشتیم که ایشان یک شخصیت ارزشی است و می‌تواند منصب ریاست جمهوری را بر عهده بگیرد. هرچند در مورد این اختلاف‌نظر مشکلی وجود نداشت؛ اما طرفداران آقای ناطق و خاتمی در یک وادی دیگری افتادند و افراط و افراطی‌گری رخ داد.

بعد از اتفاقات سال ۷۶، ما برای حفظ اعتدال در امر سیاسی و حفظ حال و هوای معنوی هیئت، از آن مجموعه که دچار افراط شده بود جدا شدیم و کانون رهپویان وصال را تشکیل دادیم. البته

یک عده از طرفداران آقای خاتمی و ناطق نوری هم که دچار افراط نشده بودند به ما پیوستند.

کانون ابتدا نیرو جذب کرد و بعد رسمیت پیدا کرد. اولین کاری که ما کردیم، این بود که یک دبیرستان را هدف قرار دادیم و رفتیم و برای دانش‌آموزان آن دبیرستان صحبت کردیم. در همان مدرسه با جذابیت بیانی، بیست نفر را جذب کردیم. با این بیست نفر کادر اجرایی را تشکیل دادیم. بعدازآن، صد الی صد و پنجاه نفر جذب کردیم و حدود یک سال، بدون هیچ تبلیغی، در جلسات هفتگی هیئت فقط روی این صد و پنجاه نفر کار می‌کردیم.

کانون در مدت حدود شش سال تلاش، از مکان‌های مختلف، به‌عنوان مرکز فعالیت‌های خود بهره گرفت. جلسهٔ اول ما با صد و پنجاه نفر، در نمازخانه «بیمارستان نمازی شیراز» شروع شد. جلسهٔ دوم تعداد جمعیت مخاطبان ما، به حدود چهارصد الی پانصد نفر رسید. بعدازآن، تعداد پایین نیامد و رفت به سمت هزار، هزار و پانصد نفر. با افزایش چشمگیر حضور جوانان در برنامه‌ها، کانون با کمبود فضا روبرو گردید، لذا مرکز فعالیت‌ها را از بیمارستان مذکور به «مسجد خیرات» انتقال دادیم. کانون در مدت حضور دوساله خود در این مسجد، همواره از الطاف امام جماعت، هیئت امناء و سایر خادمین این بیت‌الله بهره‌مند گردید و انفاس الهی این مردان خدا، سبب دلگرمی و دعای خیرشان، عامل ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های کانون بوده است.

حضور بیش‌ازحد مشتاقان فرهنگ اهل بیت[علیهم السلام] در فعالیت‌های کانون سبب گردید، علاوه بر شبستان و حیاط مسجد، خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف نیز در جلسات هفتگی و مناسبت‌ها مورد استفاده قرار گیرد تا جایی که بیم ایجاد مزاحمت برای همسایگان می‌رفت، ولی به دلیل عدم وجود مکان بزرگ‌تر، یک سال دیگر نیز علی‌رغم مشکلات فراوان با کثرت جمعیت و قلّت فضا در مسجد خیرات سپری شد. بالأخره، یک‌وقت همه اهالی آن محل؛ اعم از نیروی انتظامی، آمبولانس، همسایه‌ها و... اعتراض کردند؛ بنابراین، به دنبال یک جای جدید گشتیم تا اینکه یکی از

بانیان خیر با اهداء زمینی به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع در خیابان شهید آقایی به‌منظور ساخت حسینیه‌ای مزین به نام مبارک سیدالشهداعلیه السلام به‌صورت وقف، گام مهمی در جهت حل مشکل مکان برداشت.

در حال حاضر فعالیت‌های کانون در سالنی به متراژ ۳۰۰۰ متر مربع در زمینی که در جنب زمین حسینیه به‌صورت موقت احداث شده، انجام می‌گیرد. هزینه ایجاد سالن مذکور چهارصد میلیون ریال بوده که توسط بانی خیّر زمین، پرداخت گردیده است. البته این فضایی هم که اینجاست، برای جلسات هفتگی ما خوب است ولی برای مناسبت‌ها کفاف نمی‌دهد. حضور دوساله کانون در این مکان جدید، علی‌رغم دوری از مرکز شهر، به رونق کمّی فعالیت‌ها کمک شایانی نموده است.

ما در سال، چهار میلیارد تومان گردش مالی داریم. برای خودمان کمیته امور مالی داریم. سیستم مالی را روی پول گرفتن از دولت متمرکز کرده‌ایم و خودمان روی کار اقتصادی حساب باز نکرده‌ایم. البته یک تا دو میلیون تومان در ماه داریم که کفاف کار ما را نمی‌دهد. یک اتومبیل هم در کانون داریم که با آن به سفرهای تبلیغی می‌روم.

گفتار دوم: انفجار در حسینیه کانون

در فروردین‌ماه سال ۱۳۸۷، براثر بمب‌گذاری در حسینیه کانون، انفجار شدیدی رخ داد. اتفاق جالبی که در آن انفجار رخ داد این بود که مدیریت وقت استان، اصلاً بچه‌های ما را شهید به حساب نمی‌آورد. مسئولین می‌گفتند این‌ها جانباخته هستند و در مورد حرکت تروریستی ابهام داشتند. هرروز شبهه جدیدی ایجاد می‌کردند. فرماندار سابق که اولین مسئولی بود که آمد سر صحنه انفجار، به ما گفت ما چیزی نمی‌گوییم؛ ولی بمب نیست. این، به معنی این بود که بچه‌های ما شهید و جانباز محسوب نمی‌شدند. همان اول توپ را انداختند در زمین ما. به خاطر فشار افکار عمومی، بچه‌های ما را در قطعه شهدا دفن کردند، ولی شهید به حساب نمی‌آوردند. می‌گفتند شاید حرف این‌ها درست در بیاید و شهید باشند.

ما ۲۴ روز درگیر این بودیم که ثابت کنیم ما جانباخته نداده‌ایم، بلکه شهید داده‌ایم. ۲۴ روز طول کشید تا اینکه به لطف خون شهدا و اهل‌بیت، بمب‌گذاران لو رفتند و دستگیر شدند و بچه‌های ما شهید اعلام شدند.[۱] در طول این ۲۴ روز، ما زخم زبان زیادی می‌خوردیم؛ مثلاً می‌گفتند بچه‌های ما مفت جانشان را از دست دادند و باید از انجوی‌نژاد شکایت کنیم و... .

بعد از گذشت یک سال و نیم از این جریان، بالأخره بنیاد شهید فارس راضی شد که قبور شهدای ما را با شهدای دیگر همانندسازی کند.

۱- کسی که بمب‌گذاری کرده بود، در جای دیگری هم قصد بمب‌گذاری داشته است؛ اما بمب در دستش منفجر شده بود و قبل از مرگش در بیمارستان گفت که ما کسانی هستیم که در شیراز بمب گذاشتیم. از آنجا شبکه بمب‌گذاری شناسایی شد و لو رفت بعد بچه‌های ما را شهید اعلام کردند.

بچه‌های ما بنرهایی برای مراسم شهدا طراحی و نصب کرده بودند. روی این بنرها دو نکته جلب‌توجه می‌کرد. یکی این‌که یک لوگویی ساخته بودند که در آن لوگو نوشته شده بود «مُهر قبولی» و واقعاً هم شهادت بچه‌ها کار ما را تأیید کرد.

یکی هم این‌که نوشته بودند «شهدای واقعی، شهدای بمب‌گذاری». مسئولین امنیتی به ما گفتند عبارت بمب‌گذاری را حذف کنید. ولی ما گفتیم این کار را نمی‌کنیم؛ زیرا اعتقاد داشتیم بمب‌گذاری صورت گرفته است. بالأخره ما را مجبور کردند و شبانه تمام کلمات بمب‌گذاری را از روی بنرها حذف کردیم. همین امر باعث شد که برای مردم این سؤال پیش بیاید که «روی بنر چه عبارتی بوده است که آن را حذف کرده‌اند؟».

گفتار سوم: اهداف، مبانی و اصول کار فرهنگی و تربیتی در کانون

۱- اهداف کانون

ما از تشکیل این مجموعه چند هدف را دنبال می‌کنیم و بر اساس این اهداف برای فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی می‌نماییم. این اهداف عبارت‌اند از:

۱-۱- زمینه‌سازی برای ظهور

اهداف ما اهداف ایدئولوژیک بلندمدت است. اولین هدف ما زمینه‌سازی برای ظهور است. آیه «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِين»[1] هدف نهایی ماست.

۱-۲- مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی

هدف دوم ما مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی دشمن است. البته به نسبت تهاجمی که دشمن کرده است، ما اصلاً موفق نبوده‌ایم؛ بااین‌حال مقاومتمان بد نبوده است؛ ولی اصلاً راضی‌کننده نیست.

۱-۳- پاسخگویی به نیاز جوانان

ما هدف آخر را گذاشتیم رسیدن به هر چیز که جوانان نیاز دارند. هدفمان را جوانان در نظر گرفتیم. خوب طبیعتاً این زمان‌بر است. اگر آدم بخواهد دقیقاً به آن هدف برسد، شاید از دو سال تا بیست یا چهل سال وقت ببرد. ما برای رسیدن به این هدف یک سری اهداف دیگر را هم در نظر گرفته‌ایم که رئوس اهداف ما در

۱- و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم؛ قصص/ ۵.

این مورد، در سه هدف خلاصه می‌شود. هدف اول تحصیل است؛ یعنی در تحصیل، هر چه که نیاز است به حد بضاعت مجموعه، به اعضای کانون کمک کنیم. مدرسه دایر کنیم، کلاس‌های مختلف عربی، کامپیوتر و غیره برگزار نماییم.

دوم بحث اشتغال است؛ به این معنی که بتوانیم با کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و ادارات رایزنی کنیم و اعضا را مشغول به کارکنیم و این اتفاق می‌افتد و تقریباً آمار قابل قبولی داریم. دائماً دوستان ما معرفی می‌شوند یا به من زنگ می‌زنند که مثلاً فلان فرد از اعضای کانون شما به اینجا معرفی‌شده است و برای گزینش آن‌ها به ما زنگ می‌زنند؛ یعنی خودبه‌خود وارد سیستم مدیریتی جامعه می‌شوند.

سومین هدف ما، ازدواج جوانان کانون است و برای آن هم برنامه‌ریزی می‌کنیم.

۱-۴- نهادینه کردن فرهنگ در زندگی افراد

ما قصد داریم کاری متفاوت ارائه نماییم که بتوانیم فرهنگ اعضای مجموعه را تحت تاثیر بگذاریم. اهداف زیرمجموعه این هدف عبارت‌اند از:

- صیانت از هویت و فرهنگ اصیل اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم
- تحقق مهندسی فرهنگی و تلاش برای نیل به هدف مطلو ب
- ارتقای روحیه خودباوری و بهره‌برداری از توانمندی جوانان در جهت ایجاد تحرک فرهنگی و اجتماعی
- تعمیق معرفت دینی به‌مقتضای نیازهای روز جامعه
- تقویت مطالعه و تأکید بر جهاد علمی
- آموزش‌محوری و توسعه منابع انسانی در همه ابعاد فر هنگی
- تحقق تعریف حداکثری از فرهنگ و کار فرهنگی و توجه همزمان به ابعاد دینی، اجتماعی، هنری و فرهنگی در جا معه

- ترویج روحیه دین‌گرایی و دین‌پژوهشی و توسعه فعالیت‌های فرهنگی اصیل اسلامی همچون جلسات مذهبی، احیای هر چه بیشتر سنت حسنه اعتکاف و...، در ظل عنایات خاصه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام.

این‌که جوانی از دوران راهنمایی و دبیرستان وارد مجموعه ما شود و بر مبنایی که برایش در نظر گرفته‌ایم رشد کند، در تحصیل، انتخاب شغل و ازدواج به او کمک کنیم و سپس دارای فرزند شود و فرزند او وارد مجموعه ما گردیده و در مجموعه ما تربیت شود، نشان‌دهنده این است که حرکت فرهنگی ما موفق بوده است.

الآن خیلی از مسئولین و معاونان ما بچه‌های راهنمایی و دبیرستان بودند که وارد کانون شدند و با کمک کانون، تحصیلاتشان را ادامه دادند و شغل انتخاب نموده و ازدواج کردند. تعداد زیادی از این ازدواج‌ها درون‌سازمانی است. مثلاً بعضی از افراد، هم خودشان و هم همسرانشان معاون هستند. روند آن‌هم به این صورت بوده است که دختر و پسری که الآن با هم ازدواج‌کرده‌اند، دبیرستانی بوده‌اند. سپس به کانون آمده‌اند و در کنار فعالیت‌های کانون، ادامه تحصیل داده و مدارج علمی را طی کردند. بعد همین مجموعه باعث شده مشاوره بگیرند و ازدواج کنند و بچه‌دار بشوند و همین بچه در این مجموعه کار کند. حتی ما قصد داریم مهدکودک تأسیس کنیم. چون بچه‌های تمام نسل اولی‌های کانون الآن مهدکودکی و کلاس اولی شده‌اند. حالا اگر این بچه‌ها بیایند در دبستان رهپویان یا راهنمایی رهپویان، کار فرهنگی ما کامل شده است.

۲- مبانی کار فرهنگی کانون

فرهنگ در لغت، به معنی مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم آمده است. فرهنگ اسلامی حاکی از همین امور، در چارچوب احکام اسلام می‌باشد. فعالیت فرهنگی شامل مجموعه کارهایی است که در راستای ارتقاء کمی و کیفی علوم، معارف و هنرهای یک ملت صورت می‌گیرد. در عمل، فرهنگ یکی از مهم‌ترین ارکان هر جامعه و فعالیت‌های فرهنگی ازجمله حیاتی‌ترین امور موردنیاز

هر ملت است. ما برای این‌که بتوانیم فعالیت فرهنگی خوبی داشته باشیم، نیاز به یک سری از مبانی اولیه داریم. این مبانی عبارت‌اند از:

۲-۱- درد دین داشتن

افراد و مجموعه‌هایی که تمایل دارند کار فرهنگی کنند باید قبل از هرچیز درد دین داشته باشند.

۲-۲- شناخت استعدادهای خود

هم‌چنین باید کسانی باشند که اول به توانائی‌های جسمی، فکری، اخلاقی و عملی خودشان پی برده باشند و شرح صدر داشته باشند.

۲-۳- بستر اهل‌بیت و هیئت

طبق فرمایش مقام معظم رهبری، بهترین راه مبارزه با شیاطین فرهنگی بستر اهل‌بیت است. این مجموعه تقریباً مانند سایر مجموعه‌های فرهنگی- مذهبی با محوریت هیئت آغاز به کار کرده است. بستری که برای کار فرهنگی در نظر گرفتیم هیئت است؛ چون اعتقادداریم خود هیئت و بستر اهل بیت[علیهم‌السلام]، گرچه خودش آسیب‌هایی دارد ولی ایمن‌ترین بستر برای کار فرهنگی و تربیتی است. خود متولیانی که همان اول هم در نظر گرفتیم شاید کسانی بودند که از روند موجود در هیئت‌های مذهبی راضی نبودند و می‌گفتند کار می‌تواند بهتر و منسجم‌تر انجام بشود. لذا از همان اول هم ما مبنا را بر این گذاشتیم که بستر کار، امام حسین(ع) و هیئت باشد.

ما هیچ‌وقت اعتقاد نداشتیم کسی که کانون را ترک کرد، از خدا دور شده است. کانون یکی از وسایل است. اعتقاد ما این است که ارتباط هفتگی و حتی روزانه یا چند روزی یک‌بار با اهل‌بیت، در نگاهداری انسان بسیار مؤثر است. این را به تجربه دیده‌ایم. کسانی که این را قبول نداشتند و رفتند به سمت مباحث دیگر، تحول و استحاله شدن تدریجی آن‌ها را دیده‌ایم.

ما به نَفَس مجلس اعتقادداریم؛ چراکه ده‌ها روایت داریم مبنی بر لزوم شرکت کردن در مجالس و جماعات (علیکم بالجماعة). اگر یک نفر دلشکسته در مجلس باشد بقیه هم از دل شکستهٔ او سود می‌برند. دلیل این‌که علما و بزرگان ما بر این امر تَأکید کرده‌اند، به همین دلیل است. حضرت امام می‌فرمودند ما هرچه داریم از این مجالس و به سر و سینه‌زدن‌ها برای امام حسین[علیه السلام] داریم. مقام معظم رهبری هم فرمودند تنها راه مقابله با شبیخون فرهنگی همین مجالس است. ما معتقدیم که هرکسی باید به یک جلسه‌ای وصل باشد و نباید سیم اتصالش به اهل‌بیت را قطع کند.

بنابراین، محور کار مجموعه، هیئت است. عشق اباعبدالله، بالاترین جذبه‌ای که دارد همین است. خدا یک‌چیزهایی برای ما خواسته که برای اولیاءالله نخواسته است. به حرکت خونش، دعایش مستجاب است. فرزندانش امام معصوم هستند. امام حسین[علیه السلام] نسبت به بقیه چیزهایی زیادی دارد. اعضای کانون ما هم از باب امام حسین وارد عرصه خدا و خداشناسی شدند. این کشتی سریع‌تر است. هیئت، پرچم و بیرق کار است.

من فکر می‌کنم هیچ جذبه‌ای بالاتر از جذبهٔ امام حسین[علیه‌السلام] نخواهیم داشت. ما آمدیم روش‌های دیگری را هم انتخاب کردیم؛ مثلاً گفتیم که کربلا و امام حسین(ع) خیلی دور از دسترس ما است؛ پس بیاییم عشق دیگری را که در دل بچه‌ها هست پررنگ کنیم و آن عشق امام رضا[علیه‌السلام] بود. مثلاً بچه‌های ما به امام رضایی هم مشهور هستند. این عشق و ارتباط با امام رضا اتفاق خیلی جالبی است که در مجموعه ما افتاده است. مثلاً عدد هشت در مجموعه ما خیلی اهمیت دارد. سفر زیارتی مشهد جزء ثابت برنامه‌های ماست. یکی از دلایلش این بوده که تنها امام در دسترس ما ایرانی‌هاست. محوریت کار، اهل‌بیت بوده و این سریع‌ترین راه برای رسیدن به کمال است.

اگر هیئت نبود تشکیلات نمی‌ماند. ما شنبه‌ها دورهم جمع می‌شویم. همهٔ برد ما هم همین مکان هیئت است. الآن جلسه که راه بیفتد اغلب افراد می‌آیند و غرفه‌هایشان را راه‌اندازی می‌کنند؛

یعنی بردشان همین‌جاست. تبلیغاتشان همین‌جاست. همه‌چیز همین‌جاست. ما اگر جلسه نداشته باشیم هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم. کسی به «NGO» مراجعه نمی‌کند. محل تبلیغات ما، محلی که نیرو می‌گیریم و سرویس می‌دهیم به مردم، همه در این مکان است.

۲-۳-۱- هیئتی بودن همه در کار تربیتی

ما اگر می‌گوییم تابع ولایت هستیم، نمی‌توانیم پرچم امام حسین(ع) را نداشته باشیم. این هیئت باید همواره باشد. البته اگر به هر دلیلی هیئت تعطیل شود اسم‌های زیادی از هیئت باقی می‌ماند، مدرسه، کارگاه دوخت، خیریه و... باقی می‌ماند. تشکیلات هست. چیزی که سینه‌زنی امام حسین وارد آن نشود، دیگر هیچ رنگی ندارد. مجتمع پزشکی که پزشکش هیئت نیاید، معلمی که کنار دانش آموزش سینه نزند فایده ندارد.

۲-۴- عدم محدودیت به مکان خاص

ما تعصبی به جا و مکان نداریم. در استادیوم هم باشد کار فرهنگی می‌کنیم.

۲-۵- اصالت کار تشکیلاتی

به خاطر آن رشته‌ای که من خوانده بودم نگاه من، نگاه تشکیلاتی بود؛ یعنی می‌گفتم تشکیلات باید باشد. همان نگاه مدیریتی بود که در دانشگاه خوانده بودم.

۳- اصول کار تربیتی در کانون

کار تربیتی، باید با پیروی از یک سری اصول تربیتی انجام شود. این اصول عبارت‌اند از:

۳-۱- نظام متربی‌محور

هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که می‌تواند افراد را تربیت کند و آن‌ها را به نقطه‌ای که مدنظر خودش است برساند. بنده نمی‌توانم بر روی جمعیتی کار تربیتی انجام بدهم و فرد را در مسیری بیاورم

که در نقطه خاصی استفاده کنم. «إِنَّا هَدَيناهُ السَّبيلَ إِمَّا شاكراً وَ إِمَّا كفُوراً».[۱] ما یک هدایت عامه داریم؛ اما بیشتر از این نمی‌توانیم و جامعه به ما اجازه نمی‌دهد. مثلاً ما یک اعتکاف گسترده‌ای می‌گذاریم و در آن اشک و آهی و سیم وصل می‌شود و جذب می‌شوند. این‌ها خودشان هستند که تعیین می‌کنند که نیازشان چیست. بعد می‌آیند به ما مراجعه می‌کنند و یا کادر ما می‌شوند یا در برنامه‌ها شرکت می‌کنند و بعد در همان حوزه تخصصی خود کار می‌کنند.

۳-۲- تربیت از پایین به بالا

این ریزگروه‌ها، به من مراجعه می‌کنند من فقط به‌طور مثال، سوره کوثر را بلدم، خوب همین را برایشان می‌خوانم، بعد دیگر نمی‌توانم همین را بخوانم چون مخاطبم از من درخواست بیشتری دارد و من مجبور می‌شوم خودم را بالاتر ببرم، بنابراین یک تربیت از پایین به بالا صورت می‌گیرد. بعد با رشد من، مخاطب من هم رشد می‌کنم.

۳-۳- تحمل انتقادهای غیرعقلانی

وقتی یک کاری بر مبنای تشکیلات انجام می‌شود انسان باید تاب تحمل انتقادهای غیرعقلانی را هم داشته باشد. یک عده هستند که فریادهای بی‌مورد می‌زنند و انتقادهای بی‌جا می‌کنند. انسان باید تاب و تحملش را داشته باشد. یکی از اساتید ما می‌گفت که ما یک عمر بیشتر نداریم. در طول این عمر، یا باید از خدا دفاع کنیم، یا از خودمان. ایشان گفت، من انتخاب کردم که از خدا دفاع کنم. در این صورت خدا از ما دفاع می‌کند؛ بنابراین ما در برابر انتقادهای غیرعقلانی، از خودمان دفاع نمی‌کنیم.

۱- ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار؛ انسان/ ۳.

۳-۴- پذیرش نقد درست از کسی که بر مجموعه اشراف دارد

اگر کسی انتقاد سازنده داشته باشد -که بوده و ما بررسی کردیم- سعی می‌کنیم انتقادات را هم رفع کنیم. منتهای مراتب در مملکت ما انتقاد با ادبیات درستش هنوز من ندیدم که انجام بشود. خیلی از جاها می‌گویند نظر آیت‌الله فلانی. خیلی از جاها اشراف ندارند. اشراف یعنی چی؟ افراد باید اشراف داشته باشند به مجموعه که حتی بتواند نظر بدهد، انتقاد بکند. بعضی‌ها هم که با انتقاد شروع می‌کنند، یک نفر گفت من عرضی داشتم، جلسهٔ اول است که آمدم اینجا و شانزده نکته نوشتم که به شما بگویم، به ایشان گفتم یک جلسه دیگر بیاید، گفت وقت ندارم. من هم گفتم وقت ندارم شانزده نکته شما را گوش بدهم. معلوم است این کار غیرعقلانی است. جلسه اول آمده، هفده سال سنش است و شانزده انتقاد برای من نوشته است. چون این آدم خیلی بد تربیت می‌شود. چون هر جا برود فکر می‌کند که متفکری است که هر جا برود باید از نظراتش استفاده بشود. باید یک‌چیزهایی را بفهمد.

۳-۵- تربیت حرفه‌ای کادر

ما قائل به این هستیم که برای کار تربیتی، باید کادر خود را به‌طور حرفه‌ای تربیت کنیم.

۳-۶- نیازمحوری

ما سعی کردیم هر چیزی را که یک جوان نیاز دارد، فراهم کنیم؛ که این نیازها عبارت‌اند از نیازهای عقیدتی، اجتماعی و فیزیکی که هرکدام از این‌ها برای خودش تقسیم‌بندی دارد. سعی کردیم این کارها را انجام دهیم. مثلاً یک نفر مشکل عقیدتی یا اجتماعی دارد و در این زمینه نیازمند مشاوره است که ما برای آن‌ها مشاوره فراهم کردیم. یا این‌که دنبال کار می‌گردد که ما برای این مورد بنگاه کاریابی تأسیس کردیم. همچنین ما بر اساس سایر نیازهای افراد، مدرسه، تعاونی مصرف، تعاونی مسکن، صندوق قرض‌الحسنه

و کارگاه دوخت لباس[۱] راه انداخته‌ایم. به‌علاوه، تیم‌های ورزشی هم داریم. خلاصه، هر چیزی که لازم است فراهم کرده‌ایم.

یک‌وقت ما یک مبانی نظری برای خودمان داریم؛ مثلاً مقام معظم رهبری فرمودند تحصیل، تهذیب، ورزش. ما می‌گوییم می‌خواهیم روی این سه، کار کنیم؛ اما یک‌وقتی هم هست که می‌گوییم ببینیم مخاطب ما چه چیزی از ما طلب می‌کند بعد ما طبق آن عمل بکنیم. حالت اول، نظری است و حالت دوم، عملی است.

۳-۷- گسترش تشکیلات بر اساس میزان نیرو

ما وقتی می‌توانیم تحصیل راه بیندازیم که چهل معلم بسیجی پای ثابت داشته باشیم. وقتی می‌توانیم تعاونی راه بیندازیم که بچه‌هایمان تخصص آن را داشته باشند؛ بنابراین این مدلی که اول ما قالب را انتخاب کنیم بعد نیرو بچینیم، موردقبول ما نیست و ما این کار را نمی‌کنیم. ما اول این‌قدر صبر می‌کنیم تا نیروی آماده برای چرخاندن آن تشکیلات جمع شود و خودشان مطالبه کنند. وقتی مطالبه کردند می‌بینیم می‌توانیم این کار را انجام دهیم؛ لذا بلافاصله آن را راه می‌اندازیم.

۳-۸- دیدن الگوهای مختلف برای غنای کار تربیتی

کسی که قصد دارد کار فرهنگی و تربیتی انجام دهد، هرچه بیشتر در سطح کشور بگردد و کارهای بیشتری ببیند کارش قوی‌تر می‌شود. ممکن است حتی یک مجموعه را ببینید و هیچ الگویی نگیرد؛ اما دیدگاهش به کار فرهنگی عوض شود و ممکن است کاری که می‌کند، به لحاظ پایه و ساختار کاملاً متفاوت باشد.

۳-۹- کامل نشدن تربیت جز در جمع

کار اخلاقی و تزکیه، بدون در جمع قرار گرفتن امکان‌پذیر نیست و نتیجه‌ای ندارد. ما الزاماً اگر می‌خواهیم بخشی از تربیت دینیمان کامل شود، باید در جمع قرار بگیریم. آیا این‌که بگوییم

۱- مثلاً در شیراز هر کدام از خواهران که از این لباس‌های آستین‌دار دارد برای ماست. چون اصلاً در شیراز کسی تولید نمی‌کند.

رذیله‌های اخلاقی، مثل حسادت، هیچ‌وقت بروز پیدا نمی‌کند؛ مگر این‌که ما در جمع قرار بگیریم و این خطر باعث می‌شود که از جمع فرار کنیم و در کنجی بنشینیم به امید این‌که به عرفان دست پیدا کنیم، درست است؟ خیر. با فرار از جمع و گروه، این اتفاق نمی‌افتد؛ لذا آمدن در جمع و در پناه گروه قرار گرفتن برای ما یک ضرورت است؛ چون بخشی از تربیت دینی ما در جمع تکمیل می‌شود.

۳-۱۰- لزوم استمرار کار اخلاقی و تربیتی بر روی خود

حالا ممکن است کسی وارد مجموعه‌ای بشود و از دید عموم مردم، آدم خاصی بشود. وقتی‌که خاص شدیم، تکلیف سنگین‌تر می‌شود. این خاص شدن ممکن است به‌جای این‌که حرکت بیاورد، سکون بیاورد؛ بنابراین، وقتی کسی ضرورت حضور در جمع را تشخیص داد و وارد آن شد و شروع به کارکردن کرد، باید این حرکت را ادامه بدهد. خطر دیگری که در کمین است این است که این حرکت لزوماً رو به بالا نیست و ممکن است رو به پایین باشد که در این صورت، زمین می‌خوریم. لذا باید حرکتمان یک حرکت صعودی باشد و خودمان را جزء خواص قرار بدهیم.

خیلی از بزرگان ما اگر الآن در کار و فعالیت‌های اجتماعی حضور داشتند، به اطرافیان خود توجه نمی‌کردند و کاری نداشتند که بعد از مرگشان کسی بیاید و از آن‌ها تعریفی بکند یا نکند. وظیفه ایشان این بود که به این حرکت ادامه بدهند.

بحث اخلاق، نودساله و ده‌ساله و دوساله و سه‌ساله ندارد؛ بلکه برای همه ما الزامی است. اگر این کار را انجام دادیم جزء خواص قرار می‌گیریم. پس جزء خواص قرار گرفتن سخت هم نیست؛ البته یک سختی دارد و آن درجایی است که بخواهیم آن را حس کنیم. در این مرحله حس، تعداد زیادی از افراد کم می‌آورند و می‌بُرند؛ کما این‌که بعد از جنگ خیلی از رزمنده‌هایی که جزء خواص شده بودند، آرام‌آرام رنگ باختند و بریدند. دیگر نتوانستند حس کنند و چون نتوانستند، خراب شدند؛ بنابراین حرکت اخلاقی ادامه‌دار و مستمر است.

۳-۱۱- کامل شدن تربیت در حین عمل

ما باید در حد توانمان کار را شروع کنیم، بعد خود مستمع و مخاطب ما را بالا می‌کشد. مثلاً اگر گروه تحقیقاتی که ما داریم، کار تحقیقاتی‌شان را به‌جایی ارائه نکنند قطعاً اشکالاتشان را متوجه نمی‌شوند و رشد نمی‌کنند. اگر مجموعه‌ای بخواهد بماند باید متناسب با مخاطب، خودش را بکشد بالا. افراد باید در حوزه عمل آموزش ببینند نه جدای از عرصه عمل. نظر من کار به‌صورت توامان است؛ یعنی هم نیرو پرورش بدهیم و هم کار را انجام بدهیم و عرضه کنیم.

۳-۱۲- لزوم بومی بودن کار تربیتی

کار تربیتی باید بومی باشد. به‌عنوان‌مثال، شیراز هندوستان ایران است؛ زیرا فرقه‌ها و مذاهب زیادی در این شهر وجود دارند و ما در این شهر با فقدان یک نظام تربیتی دینی مواجه هستیم. شیراز شهری است که به‌عنوان شهر شاهی و تفرجگاه پهلوی شناخته می‌شود. حتی خیابان‌ها و باغ‌ها و اماکن هم این‌گونه است؛ بنابراین، کار کردن در این شهر پارامترهای خاصی را می‌طلبد. اگر ما بخواهیم این موردها را در قم پیاده کنیم، قطعاً شکست می‌خوریم؛ زیرا این موارد، بومی شهر شیراز بوده است، نه جای دیگر.

۳-۱۳- نفی تربیت فرد فارغ از عرصه عمل

این ایده که ما اول یکسری را تربیت کنیم که بعداً به جامعه خدمت بدهند معمولاً جواب نمی‌دهد؛ زیرا این افراد وسط کار می‌برند و خسته می‌شوند. عواملی وجود دارد که باعث دلزدگی فرد می‌شود؛ چون یکسری برنامه‌هایی را که نمود خارجی ندارند برایش اجرا می‌کنند. این فرد تا یک‌زمانی بازده کاری دارد. از کجا معلوم که او، مدت درازی در دست ما باشد تا بتوانیم تربیتش کنیم. اینکه یک‌وقتی این آقا آماده بشود و بعد جامعه را درست کند، صحیح نیست؛ زیرا جامعه که بیکار ننشسته است و منتظر تربیت این نیرو نمی‌ماند.

۳-۱۴- پذیرش اشتباهات

بنده ساعت‌های زیادی صحبت کرده‌ام؛ چندین هزار ساعت در جاهای مختلف. قطعاً در صحبت‌هایم اشتباهاتی بوده است اما سعی کرده‌ام این اشتباهات در اصول نباشد. سعی کرده‌ام که هرچیزی می‌گویم با اساتید بزرگی که با آن‌ها در ارتباط بوده‌ام، هماهنگ کنم و حتماً بعضی وقت‌ها اشتباهاتی هم شده است؛ که جبران کرده‌ام، برطرف کرده‌ام، سعی کرده‌ام به نحوی از ذهن مردم این اشتباه را خارج کنم یا اینکه متوجه نبوده‌ام که اشتباه شده. به‌هرحال همهٔ ما و حتی مراجع تقلید هم در احکامشان اشتباه دارند. خداوند تبارک‌وتعالی اینکه ما اشتباه می‌کنیم را درک کرده لذا برای مبلغین و مراجع فرموده به نسبت توانایی‌تان. «لا یکلف الله نفساً الا وسعها.» وسع ما هم همین بوده است. به‌هرحال با تمام این مشکلاتی که بوده است، خودم اعتقاددارم خداوند خیلی فضل داشته که کم اشتباهی پیش آمده است؛ و وقتی روی منبر هستم معتقدم که خداوند کمک می‌کند و خودم هیچ‌وقت به خودم اعتقاد نداشته‌ام.

۴- اصول تشکیلاتی کانون

۴-۱- نگاه امیدوارانه به آینده تشکیلات

از روز اولی که به نیاتی، کانون راه‌اندازی شد، ما به مجموعه کانون امید داشتیم و دلمان روشن بود که آیندهٔ درخشانی در انتظار این مجموعه است.

۴-۲- بازخواست مداوم از خود و تشکیلات در کار

ما هم خودمان را ارزیابی می‌کنیم و هم مجموعه را و از خود می‌پرسیم که آیا ما واقعاً کار درستی انجام می‌دهیم؟ نکند که روز قیامت ما را به خاطر همین کارها مواخذه کنند و بگویند نباید این کار را می‌کردید و کار دیگری انجام می‌دادید. سالی یک الی دوبار ما خودمان را بازخواست می‌کنیم؛ هم کارهای خودمان را و هم کانون را.

۴-۳- حرکت مداوم و کم‌ریزش

من اعتقاددارم که ریزشمان حداقل بوده و از آن طرف نیز، رویش قابل قبولی داشته و دائماً حرکت روبه‌جلو داشته‌ایم. گاهی اوقات در مقاطع زمانی این رشد کند یا متوقف می‌شد؛ ولی دوباره آن حرکت پلکانی خودش را طی می‌کرد.

ما سعی کرده‌ایم کانون از خیلی از آسیب‌ها ایمن بماند. بیش از نود درصد موفقیت کانون به خاطر لطف خدا و اهل‌بیت است. اساس کار اخلاص است. بعدازآن، فن مدیریت خیلی مهم است. مدیر یک مجموعه فرهنگی- تربیتی، باید قبل از همه‌چیز یک مدیر فرهنگی موفق باشد.

۴-۴- ایجاد تشکیلات در صورت بودن نیرو به‌اندازه کافی

اساس کار ما، دانش‌آموزان هستند. اولین کار ما واحد دانش‌آموزی بوده است. بعد دانش‌آموزان ما دانشجو شدند؛ بنابراین، واحد دانشجویی را راه انداختیم. یک عده هم طلبه شدند و بر این اساس، واحد طلاب را تأسیس کردیم.

بنابراین، این‌طور نبوده است که ما از روز اول این واحدها را درست کرده باشیم؛ بلکه در بستر زمان این قضیه شکل‌گرفته است و این چارت سازمانی ما به‌هیچ‌وجه از اول نوشته نشده بود. واقعاً چارت سازمانی ما مدل خاصی ندارد. وقتی ببینیم نیروی کافی برای راه‌اندازی یک «NGO» را داریم، آن را تأسیس می‌کنیم.

۴-۵- ایجاد ساختار متناسب با خصوصیات نیرو

در رهپویان وصال، برای هر فرد، نسبت به خصوصیات خودش پست سازمانی تعریف شده است. اینطور نیست که ما یک‌چیز به‌عنوان معاونت هماهنگ‌کننده و روابط عمومی تعریف کنیم بعد این آدم را بگذاریم در این پست؛ بلکه این‌ها یک سری خصوصیات منحصربه‌فرد آن شخص است که خودبه‌خود در آن نقش نقش‌آفرینی می‌کند و در مجموعه و پست سازمانی تعریف می‌شود.

۴-۶- ممنوعیت دوشغله بودن مسئول واحد

برای مسئولین واحدها دوشغله بودن را ممنوع کرده‌ایم؛ یعنی نمی‌تواند در واحد دیگری فعالیت کند. ولی برای بقیه افراد امکان دارد که در بقیه واحدها همزمان باشند.

۴-۷- گزینش کادر

کادر ما استعلام می‌شوند، ما یک کمیتهٔ ارزیابی داریم، این‌ها استعلام می‌شوند، تحقیقات می‌شوند، امتحان ورودی دارند. بعد هم آنقدر روی کادرمان کار می‌کنیم که یکدست باشند. اصلاً کسی با غیر گرایش سیاسی ما نمی‌تواند کادر ما را تحمل کند.

۴-۸- تعامل با دیگر مجموعه‌ها

ما در تشکیلات با مجموعه‌های خارج مثل بسیج، دولت، مدرسه و خانواده تعامل مثبت داریم.

۴-۹- «سمن» شدن واحدها برای حفظ در زمان

ما، تحت عنوان ۵۲ «سمن»، مشغول انجام ۵۲ کار مختلف هستیم که همهٔ این‌ها ثبت سازمان ملی جوانان است. این‌ها در کنار همدیگر دارند کار را انجام می‌دهند و بابت طرح‌هایی که دارند، یکسری امکانات خیلی محدودی هم از سازمان ملی جوانان می‌گیرند. برای بعضی از طرح‌ها که قوی‌تر است، امکانات بیشتری می‌گیرند. این «سمن» ها را هم به این دلیل بنا گذاشتیم که اگر قرار بر این شد که کلیت مجموعه نباشد، این جزئیات به کار خود ادامه دهند.

رفتن سراغ «سمن»، کشاندن واحدها به بدنه دولتی است که بتوانند از آنجا بودجه جذب کنند، با ساختار کار اداری آشنا شوند و ساختار واحد هم قانون‌مند شود و رسمیت پیدا کند. این «سمن» ها جلسه هفتگی و اردوی مخصوص به خودشان دارند. مثلاً واحد تبلیغات ما خودش موسسه تبلیغاتی هم دارد که هم برای خودش درآمدزاست و هم کارهای واحد را انجام می‌دهد. مثلاً موسسه

خیرین وصال ما الان یک خیریه دارد. «سمن» یک سربرگ و مهر و تشکیلاتی به این واحدها می‌دهد.

۴-۱۰- وحدت بر سر پیروزی تشکیلات

وحدت و یک‌دستی خیلی مهم است. واحدها نباید در کانون، ساز جداگانه بزنند و ایجاد تفرقه کنند. همه اعضا باید از کارهایی که به وحدت مجموعه لطمه می‌زند اجتناب کنند. ما در واحدهایمان کثرت در عین وحدت داریم؛ یعنی ما کثرت داریم اما همه با وحدت جهت. اگر زمانی مسئله‌ای راجع به دین و یا نظام مقدسمان پیش آمد، همه یک‌دستیم و همه اختلافات را فراموش می‌کنیم. سرّ تمام پیروزی‌های جهان، در وحدت آن‌ها است. ما تمرین می‌کنیم تا ان‌شاالله بتوانیم یکپارچگی، وحدت و یکدستی را برای کادر تثبیت کنیم.

۴-۱۱- نوکری اهل‌بیت، به‌عنوان تنها منصب تشکیلاتی

تشکیلاتی که ما در آن کار می‌کنیم، منتسب به اهل‌بیت است. برادرِ من در پیشگاه اهل‌بیت، با اداره آب و وزارت کشاورزی و اداره برق، فرق دارد. همه ما از بالا تا پایین نوکر اهل‌بیتیم و هیچ‌کس بر دیگران برتری ندارد. این‌که ما قدیمی‌تریم! ما جدیدتریم! من کادرم، من مسئول واحدم، من معاون واحدم، من بزرگ‌ترم، من کوچک‌ترم، در اینجا معنی ندارد و باید همه این‌ها را کنار بگذاریم. همه نوکر اهل‌بیت هستند. ما در پیشگاه اهل‌بیت، هیچ‌چیزی نیستیم.

۴-۱۲- همدلی

چیزی که توانسته است مجموعه را ماندگار کند، همدلی اعضای آن بوده است. درخواست ما هم از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام این است که این همدلی را بیشتر کند.

۴-۱۳- خراب نکردن ارتباط میان اعضا

ما به اعضا می‌گوییم که برای هیچ‌چیزی ارتباط بین خودتان را خراب نکنید. اهل‌بیت همین را از ما می‌خواهند که برای هیچ‌چیزی به هم دیگر نگاه خشمگینانه نکنیم.

۴-۱۴- مهم‌تر دانستن دیگری در تشکیلات

اعضای مجموعه باید طوری باشند که دیگران از خودشان برای آن‌ها مهم‌تر باشند. مثلاً آبروی همکارشان، جسم و روح همکارشان از آبرو و جسم و روح خودشان برایشان مهم‌تر باشد. اگر اینگونه شدیم، کار به‌صورت قوی‌تر ادامه پیدا می‌کند.

ممکن است اتفاق بیفتد که مثلاً دو نفر در جلسه کاری، بر سر همدیگر داد بزنند؛ اما این برخورد، یک برخورد کاری است و در مورد یک قضیه که صلاح می‌دانستند، سر هم داد زده‌اند؛ اما همین دو نفر، یک دقیقه بعد اگر جایی پیش بیاید که قرار باشد برای هم جان بدهند، برای جان دادن برای همدیگر، سبقت می‌گیرند؛ بنابراین، آدم باید در این مورد، به دلش رجوع کند.

۴-۱۵- مهر و گذشت سیستم اخلاقی کانون

منظومه‌ای که ازنظر اخلاقی باید بین ما حاکم باشد، سیستم مِهر و گذشت است؛ به‌طوری‌که اگر بدوبیراه هم به انسان گفتند، اول باید با نگاه مهر نگاه کند؛ به این صورت که مثلاً این شخصی که دارد بدوبیراه می‌گوید و سر من داد میزند، احتمال دارد دلیلش این باشد که دلش برای من می‌سوزد. اول باید از این منظر نگاه کنیم. اسلام هم همین مطلب را می‌گوید. فرد باید اول این گمان را ببرد که پشت این داد، یک مهر و دلسوزی نهفته‌ای وجود دارد. حتی در اختلافاتی که پیش می‌آید و دو نفر برای یک مسئله کاری در مجموعه، سر هم دادوفریاد می‌زنند، اولین چیزی که به دست می‌آید، این است که این دو نفر آن‌قدر به کارشان علاقه دارند و آن‌قدر به اهل‌بیت تعصب‌دارند که دارند این‌قدر عصبانیت به خرج می‌دهند.

در کنار مِهر، گذشت هم باید وجود داشته باشد؛ یعنی به‌محض این‌که قضیه تمام شد و عصبانیت‌ها فروکش کرد، همه‌چیز باید کلاً فراموش شود. این‌ها مواردی است که برای کادر بسیار لازم است.

۴-۱۶- کار اثباتی کردن در مقابل انتقادها

نکته بعدی، «کار اثباتی» است. کار اثباتی یعنی این‌که به‌جای این‌که خودمان را درگیر جواب دادن به انتقادها کنیم، سعی کنیم خودمان را اثبات کنیم. سیستم‌هایی که می‌روند به سمت دفاع کردن از خود، وقت خودشان را تلف می‌کنند. درحالی‌که باید به‌جای این کار، خودشان را اثبات کنند.

کار اثباتی یعنی کار فرهنگی. کار فرهنگی کار تداخلی نیست؛ بلکه کار اثباتی است، خودمان را باید اثبات کنیم. به‌عنوان‌مثال، یکی از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به نام سردار غیب‌پرور، می‌گفت که من شب انفجار حسینیه کانون، وقتی وارد کانون شدم، دم در تعداد زیادی از سرهنگ‌ها و سرداران بازنشسته دیدم که همه جلو در کانون، منتظر زن و فرزند خود بودند. ایشان می‌گفت، من آن موقع فهمیدم که این کانون تا چه حد در سپاه ریشه دوانده است. این می‌شود کار اثباتی.

این‌که یکسره بگوییم فلان نهاد علیه ما فلان حرف را گفته است و ما باید جواب بدهیم، کار اشتباهی است. ما باید کار خودمان را بکنیم، زمان خودش همه‌چیز را روشن می‌کند. لذا کار تداخلی و مقابله‌ای نمی‌کنیم. کار اثباتی یعنی این‌که سرمان را می‌اندازیم پائین و کار خودمان را می‌کنیم.

۴-۱۷- «رحماء بینهم»، تنها اصل ضروری تشکیلات

تنها یک نکته مهم در مجموعه وجود دارد و آن بحث «رحماء بینهم» است. توقع پیغمبر از ما این بوده است. اگر کسی می‌تواند، بسم‌الله! ولی اگر نمی‌تواند، برود استعفا بدهد؛ البته استعفا به این معنا که فقط بیایند در هیئت شرکت کنند و بروند.

آدمی که نتواند اطرافیانش را تحمل کند و کاری به کار هیچ‌کس نداشته باشد، به درد کادر مجموعه‌های اهل‌بیت نمی‌خورد. بنا به تجربه‌ای که در این سال‌ها به دست آورده‌ایم، فهمیده‌ایم که هیچ‌چیزی در این دنیا مهم نیست؛ مگر «رحماء بینهم». زیر پرچمِ اهل‌بیت هیچ‌چیز دیگری ارزش ندارد. تمام این جلسات ما «هباءاً

منثورا» است. تمام این سخنرانی‌ها و گریه‌ها و سینه زدن‌ها، به باد می‌رود و فقط یک چیز می‌ماند؛ آن‌هم اینکه انسان توانسته باشد در یک مجموعه‌ای به دستور قرآن، به «رحماء بینهم» عمل کند. اگر این‌گونه به هم نگاه کنیم، دیگر کسی به ما اعتراض نمی‌کند که مثلاً با ما خوب برخورد نشد و... .

۴-۱۸- منع شدید غیبت در تشکیلات

باید خیلی مراقب زبانمان باشیم. در آخرالزمان، همه از طریق زبان بیچاره می‌شوند. همه باید مراقب غیبت باشند و باید با کوچک‌ترین چیزی که شائبه دارد، برخورد کنند که به غیبت منجر نشود. باید خودمان را کنترل کنیم تا به غیبت دچار نشویم.

۴-۱۹- توجه اعضای کادر به ظاهر و جسم

باید پوشش اعضا، پوشش مناسبی باشد. در این تهاجمی که دارد صورت می‌گیرد، مقاومت کردن خیلی سخت نیست. باید در پوشش خودمان دقت کنیم. ازنظر مدیریتی، پوشش در ظاهر است.

۴-۲۰- افتخار به داشتن دشمن، در کنار نترسیدن از آن

توقع ما این است که روی کادر، کار اخلاقی صورت بگیرد تا کادر بتواند بالا برود. کار اگر برای خدا باشد حتماً دشمن داریم. ولی نکته‌ای که وجود دارد، این است که نباید از دشمن بترسیم؛ بلکه به دشمن داشتن افتخار کنیم. حالا بعضی از این دشمنان، لباس خودی می‌پوشند و بعضی‌هایشان هم خیر.

۴-۲۱- خوب برخورد کردن با مردم

اعضای کادر باید از رفتارهای خودشان مراقبت بیشتری داشته باشند. برخوردهای ما با مردم، باید برخوردهای مؤدبانه باشد.

۴-۲۲- تحول فرد، مایه تحول تشکیلات

باید تغییر کرد. باید مسیر زندگی عوض شود و باید جلو برویم. اینکه یک مجموعه باید جلو برود، درست نیست؛ بلکه ما افراد باید

جلو برویم. آدم باید عوض بشود و دیدگاهش را هم تغییر بدهد. اگر برادران ما در جریان وقایع و اتفاقاتی که در مسیر راه روی می‌دهد، تغییر کرده و متحول شده‌اند، ما باید باورشان داشته باشیم. اگر هم کسی تغییر نکرده است، باید طوری با او برخورد کنیم که احساس کند ما از او توقع داریم که تغییر کرده باشد. باید در این موارد دقت زیادی به خرج دهیم.

۴-۲۳- خضوع در ظاهر و خشوع در باطن

مسئولین باید خضوع در ظاهر داشته باشند؛ برخی افراد، چنان بالا چشمی و زیرچشمی به آدم نگاه می‌کنند که مشخص می‌شود چقدر تکبر دارند. توقع خداوند این است که خضوع در ظاهر داشته باشیم؛ یعنی از لحن صحبت کردنمان، از نگاه کردنمان و از راه رفتنمان خضوع ببارد.

بنابراین، خضوع در ظاهر، یعنی چیزی که چشم می‌بیند؛ اما در کنار این خضوع، باید در جان هم خشوع داشته باشیم. خشوع در جان آن است که دل می‌بیند؛ یعنی خاکساری در مقابل خداوند. اعضای تشکیلات، حتماً باید اهل تهجد باشند. از صبح تا شب می‌دویم، شب خسته می‌شویم و خوابمان می‌آید؛ اما بااین‌وجود، بازهم حداقل یک‌شب در هفته باید از رخت خواب بلند شویم، ولو ۵ یا ۱۰ دقیقه به تهجد بپردازیم. اگر یک هفته بگذرد و حداقل، یک‌شب از آن هفته را به مناجات با خدا نپرداخته باشیم، در هفته بعدی، توفیق کار کردن را از ما سلب می‌کنند. شهید علی نصیری، از صبح تا شب در شهرداری، کارهای سنگینی انجام می‌داد؛ ولی نماز شبش ترک نمی‌شده است.

به‌طورکلی، مسئولین یک مجموعه باید طوری باشند که وقتی دیگران به آن‌ها نگاه می‌کنند، محبت اهل‌بیت در دلشان بیفتد.

۴-۲۴- نقش محتوایی کادر در تأمین اخلاقی اعضا

بحث محتوایی نقش خیلی مهمی در پیشبرد امور دارد. نقشی که مسئولین واحدها و معاونینشان در ساختن روحیهٔ معنوی افراد واحد دارند و نقشی که افراد واحدها، به‌عنوان کادر، در ساختن

روحیه مستمعین عادی کانون دارند، نقش بسیار مهمی است. دستور امام صادق[علیه السلام] این است که «کونوا دعات الناس بغیر السنتکم».[۱] یعنی مردم را به مسیر حق دعوت کنید، از غیر مسیر زبان. این دستور به معنی تعطیل کردنِ وعظ یا تعطیل کردن زبان نیست؛ بلکه منظور این است که مثلاً اگر یک وعظی بالای منبر انجام می‌شود، این وعظ باید در عمل توسط خود شخصی هم که آن را گفته نمایان باشد. شخص باید طوری عمل کند که اطرافیانش ازنظر اخلاقی از او راضی باشند و در مرحله بعد، اطرافیانش طوری عمل کنند که حلقه بعد راضی بشوند. همین‌طور ادامه پیدا کند تا برسد به خانواده، محله و... یک کار فرهنگی اخلاقی، وقتی جواب می‌دهد که این‌گونه جلو برود.

در مجموعه ما، مسئولین واحدها در برنامه‌ریزی معنوی برای اعضای واحدشان نقش خیلی مهمی دارند و آن‌ها هم در انتقال این فرهنگ به مستمعین عادی کانون، نقش مهمی دارند.

۴-۲۵- اشک روزانه کادر

نباید یک روز بگذرد و حداقل دو قطره اشک برای امام حسین[علیه السلام] نریزیم. البته این بلوتوث‌ها و موبایل‌ها و نوارها، بس که این مداحی‌ها را پخش می‌کنند، قضیه را مسخره کرده‌اند. همین‌ها بچه‌های ما را قسی‌القلب می‌کنند. منظور ما این است که ۵ دقیقه مداحی گوش کنیم، برای این‌که گریه کنیم. یا مثلاً هرطور شده، در سجده آخر نماز، یک قطره اشک از چشمانمان جاری شود. اشک برای انسان طراوت می‌آورد. اشک باعث می‌شود انسان به خدا نزدیک شود. خداوند فرمود: «اَنَا عِندَ المُنکَسِرَةِ قُلُوبُهُم»؛[۲] من در کنار دل‌های شکسته هستم. این، یعنی دل شکسته فی نفسه ارزشمند است. اشک برای قلب زلالیّت می‌آورد. کافی است که فقط روزی یک بار با اشک مأنوس باشیم.

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ۱۴۰۷ ه.ق، ص ۷۸.
۲- منیهُ المرید/ صفحه ۱۲۳.

۴-۲۶- اهل ذکر و چله بودن

اهل ذکر بودن، یکی دیگر از لوازم کار است. ذکر در معنای حقیقی یعنی اینکه انسان غیر از خدا کس دیگری را مؤثر نبیند. ذکر در معنای حقیقی همیشه «لااله‌الاالله» گفتن نیست. البته برای ذکر در معنای عرفانی، دو معنا گرفته‌اند: ۱- شخص غیر از خدا کسی را مؤثر نبیند؛ ۲- منشأ هر خیر و شری را غیر از خدا نشناسد. این، یعنی اگر شری به ما نازل می‌شود، از طرف خداست و هر خیری هم بر ما نازل می‌شود از طرف خداست. انسان باید روی این‌ها فکر کند و همیشه در این فکر باشد که همه‌چیز از طرف خداوند است. هم‌چنین باید اهل چله گرفتن باشیم.

۴-۲۷- بزرگ‌تر شدن تشکیلات همراه با کوچک‌تر شد نفس

وقتی قالب و تشکیلات ما بزرگ‌تر شد، حتماً باید نفس ما کوچک‌تر شود؛ اما اگر نفس هم بزرگ باشد، نفس بزرگ، در قالب بزرگ شکست به همراه دارد. هرچقدر در زندگی جلو می‌رویم، باید نفسمان کوچک‌تر شود. امام سجاد[علیه السلام] فرمودند: «خدایا یک رتبه‌ای در دنیا به من عنایت نکن؛ مگر این‌که به همان میزان که در دنیا مرا بالا می‌بری، من در نزد خودم و نفس خودم پایین آمده باشم».

مطمئن باشید اگر بزرگ شدن تشکیلات همراه با کوچک شدن نفس ما نباشد، به این معنی خواهد بود که داریم در مسیر جهنم پیش می‌رویم؛ بنابراین، باید روی این قضیه خیلی کارکنیم.

۴-۲۸- توجه به خانوادهٔ اعضای تشکیلات

باید به خانواده اعضای تشکیلات هم توجه داشت که کار به آن‌ها لطمه نزند؛ زیرا همسران بعضی از افرادی که در یک تشکیلات مشغول به فعالیت هستند، به‌راحتی نمی‌توانند با این قضیه کنار بیایند که همسرشان یکسره مشغول فعالیت فرهنگی در یک مجموعه باشد؛ بنابراین، باید یک سری جلسات خانوادگی برگزار

کرد تا خانواده‌ها باهم ارتباط داشته باشند و به‌تدریج توجیه و هماهنگ شوند.

۴-۲۹- حل مشکلات تشکیلات با ریش‌سفیدی

باید سعی شود مشکلات یک واحد را خود مسئول واحد حل کند؛ ولی اگر نتواند مشکلات را حل کند، معاون آن مجموعه باید آن را حل کند. این تشکیلات‌پذیری که هرکسی حرف مافوقش را بپذیرد، در بستر زمان اتفاق می‌افتد. وقتی محبت، محبت اهل‌بیتی باشد، حرف مافوق راحت‌تر قبول می‌شود. به هر میزان که پست سازمانی یک نفر بالاتر می‌رود، در مجموعه خودش ریش‌سفید محسوب می‌شود و می‌تواند مشکلات مجموعه تحت مدیریت خودش را با ریش‌سفیدی حل کند و این، باید نهادینه شود.

۴-۳۰- سرویس‌دهی به مدارس

ما از همان جلسهٔ اولی که کانون تشکیل شد به ایاب و ذهاب اعتقاد داشتیم. جوان موقعی که بداند یک کسی می‌آید دنبالش و او را از مدرسه به کانون می‌آورد خیلی راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند و پدر و مادرش هم خیلی راضی‌تر هستند. در فصل زمستان، سرویس‌های ایاب و ذهاب کانون، جلوی مدارس می‌ایستند و دانش‌آموزان نوبت عصر را به کانون می‌آورند. بعد از اتمام جلسه کانون نیز، همان سرویس‌ها، دانش‌آموزان را به منازلشان می‌رسانند.

به‌این‌ترتیب، ما به‌واسطه سرویس‌دهی، بین کانون و مدرسه ارتباط ایجاد می‌کنیم. سعی ما این است که ابتدا با گروهی از دانش‌آموزان یک مدرسه ارتباط بگیریم و به‌وسیله آن‌ها در مدرسه برنامه‌های فرهنگی اجرا نماییم. به‌این‌ترتیب، چندین نیرو دورهم جمع می‌شوند؛ البته نه‌فقط به اسم کانون؛ بلکه مثلاً به اسم بسیج، گروه تئاتر و... دورهم جمع‌شویم. مهم این است که بچه‌های کانون در این مدرسه حضور داشته باشند. بعدازاین ارتباط‌گیری، ما برای آن‌ها سخنران و مداح می‌فرستیم و شروع به کار فرهنگی در مدرسه می‌کنیم.

بنابراین، یک نفر که قبلاً به‌عنوان یک عضو عادی در جلسات کانون شرکت می‌کرد، حالا خودش فعال می‌شود و می‌رود در مدرسه خودش شروع می‌کند به نیروگیری و ارتباط برقرار می‌شود. بعد از مدتی که ارتباط‌ها با یک مدرسه برقرار شد، سرویس کانون در آن مدرسه راه می‌افتد.

گفتار چهارم: فعالیت سیاسی در کانون

هر جا احساس کنیم که ولایت در عرصه سیاسی لازم بداند که وارد شویم، وارد می‌شویم. ممکن است مثلاً در انتخابات رسماً وارد شویم ممکن هم هست وارد نشویم. چون ولایت گفته است. ما نمی‌ترسیم که به وجهه مجموعه لطمه وارد شود. وجهه برای انقلاب و نظام و اسلام است. ما طرفدار ولایت هستیم. کسی که مملکت را به هم بریزد ما با او تعارف نداریم. ممکن است در این راه، ریزش نیرو هم داشته باشیم. مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، ما تعدادی ریزش نیرو داشتیم. البته این ریزش نیرو بیشتر در قسمت مستمعین بود. ما در کادر شاید در کل این انتخابات سه نفر هم ریزش نداشتیم؛ زیرا کادر ما سیستم ورودی خاصی دارد.

ما در فعالیت سیاسی خود یک سری اصول داریم که به آن‌ها پایبند هستیم. این اصول عبارت‌اند از:

۱- سیاست، ابزار خدمت

سیاست برآن مبنا که امام راحل (ره) مشخص کردند باید بر بستری دینی شکل بگیرد؛ یعنی مقیّدات دینی و اخلاقی در حوزه فردی درونی شده باشد و در حوزه اجتماعی مفاهیمی چون ایثار، تقوی، گذشت و عدالت را ترویج کند. با نگاه دینی، سیاست ابزار خدمت است. فعال سیاسی با این مشخصات به سخن شهید بهشتی نزدیک می‌شود که گفتند: «ما شیفتگان خدمتیم، نه تشنگان قدرت». باید به این سمت حرکت نمود.

۲- حضور همیشگی کانون در فعالیت‌های سیاسی

با این اعتقاد که بستر سیاست دین است، تمام حرکت‌هایمان سیاسی بوده است. باید توجه داشت که حرکت‌های ما مرحله‌ای

بوده است. می‌بایست در برهه‌های مختلف به احکام فقهی، فطرت، انسان، اخلاق و ولایت و در برهه‌ای دیگر به کار اجرایی توجه کرد. از ابتدای کار همینگونه بوده است؛ وقتی سیاست را عین دیانت بدانیم، پرداختن به هر یک از این دو به معنای پرداختن به دیگری است. درهرحال ما به فرمان‌های امام (ره) و رهبری معتقدیم و خود را در چارچوب نظام می‌بینیم؛ درنتیجه می‌توان از حرکت‌هایمان تعبیر سیاسی نیز نمود.

۳- دین، زیربنای سیاست

در حوزه فرهنگ تعاریفی هست که در جامعه دیده نمی‌شود همچنین برخی از فرمان‌های امام و رهبری در حیطه عمل مطرود یا محدود شده است. سعی ما بر این است در این مسیر با دیدن این موارد پیش برویم. از همه مهم‌تر ما در زیربنای سیاست، اقتصاد و خدمت، دین و فرهنگ را می‌بینیم و پایه‌های دین را بر بستر فرهنگ قرار می‌دهیم. این‌ها مواردی است که در عمل کمتر به آن پرداخته می‌شود.

۴- شرایط افرادی که از سوی کانون وارد عرصه سیاست می‌شوند

اکثریت افرادی که از سوی کانون وارد عرصه سیاست می‌شوند، از اعضا و نیروهای اصلی کانون فرهنگی رهپویان وصال هستند که قصد داریم از تخصصشان با سرویس‌دهی فرهنگی همزمان استفاده کنیم. از دوستان تعهد گرفتیم بعد که سر پست‌ها رفتند (اگر پستی در کار باشد)، به ضوابط اخلاقی و عقیدتی مقید باشند و به‌طور مداوم ضمن خدمت آموزش عقیدتی ببینند. به همین دلیل این شیوه را انتخاب کردیم تا نیروهایی که برهه تحصیل را پشت سر گذاشته‌اند یا به حدی از تخصص می‌رسند در مجموعه یاران وصال به کار گرفته شوند.

۵- رابطه میان شعار و عمل در عرصه سیاست

شعار بُعد نرم‌افزاری کار است اما ورای این ایده یک قانون ذاتی وجود دارد که تنها درصدی از شعارها قابل عمل است. هیچ‌کس نمی‌تواند کاملاً طبق شعارش عمل کند چون شعار از ایده‌ال انسانی بلند می‌شود؛ اما در عمل با سخت‌افزارهایی مواجه می‌شویم که در نظر گرفته نشده است. لذا بهترین آدم‌ها آن‌هایی هستند که به درصدی بیشتر از شعارهایشان عمل می‌کنند و یا شعارهایشان به واقعیت نزدیک باشد.

۶- مدیریت بسیجی، بهترین نوع مدیریت سیاسی

اعتقاد ما بر این است که با یک مدیریت بسیجی و آرمانی و عمل عاقلانه و مدبرانه می‌توان کارکردهای سیستم دولتی را به سمت‌وسوی بهتری سوق داد. البته میزان بازدهی، بهره‌وری و موفقیت کسانی که آرمانی فکرمی‌کنند و عاقلانه عمل می‌کنند نسبت به آن‌هایی که اینگونه نیستند بیشتر است.

۷- ارتباط با دیگر گروه‌ها در شهر

ارتباط ما با شورای شهر و مسئولین همیشه خوب بوده است، ما با همه کسانی که در جریان اصولگرا قرار دارند ارتباطمان خوب است با کسانی هم که اختلاف داریم فقط اختلاف‌سلیقه است و اختلاف عقیده نیست؛ بنابراین برای ما هیچ مشکلی پیش نمی‌آید، البته همیشه کار خدا را خداوند خود حمایت می‌کند.

فصل دوم: ساختار و فعالیت‌های کانون

گفتار اول: روش کار تربیتی در کانون

ما سعی می‌کنیم در عرصهٔ فرهنگی همین بحث‌هایی را که الآن متداول و روی بورس است دنبال کنیم؛ یعنی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و فرهنگ اهل‌بیت با روش سنتی و درعین‌حال با نگاهی به مسائل روز؛ سنتی از باب اینکه منبر و وعظ و اخلاق است. منظور از تجهیز به مسائل روز هم یعنی استفاده از فضای مجازی، نشریات، جزوات، کلاس‌های تخصصی، کارگروه‌های مختلف و ... . محوریت همان اخلاق و فرهنگ اهل بیت[علیهم‌السلام] است و قرآن. ما سعی کردیم دائماً روی این محوریت، کار کارشناسی انجام بدهیم؛ یعنی نسبت به مخاطبین و جامعه نیازسنجی صورت بگیرد و در حقیقت آن جامعه و گروه هدف را نیازسنجی کنیم و نسبت به نیازشان طرح بدهیم و کارشناسی و عملیاتی کنیم.

ازآنجاکه مخاطبین اصلی کانون قشر جوان بوده و سایر اقشار مخاطبین فرعی کانون می‌باشند، لازم بود که فعالیت‌های فرهنگی کانون برای دست‌یابی به اهداف، در شکل و فرم‌های مختلف و متنوعی طراحی و اجرا گردد تا تمام جوانان را پوشش دهد. به همین منظور فعالیت‌های کانون را در قالب‌های زیر پیگیری نمودیم:

۱- نماز جماعت

نماز جماعت در کانون، هر ظهر و شب، به‌ویژه در روزهای اجرای برنامه‌های گروهی و با حضور نمازگزاران ارجمند برپا می‌گردد. در برخی فرصت‌هایی نماز قضا نیز به جماعت برپا می‌گردد.

۲- جلسات هفتگی

جلسات هفتگی ما، هر هفته، شنبه‌شب‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء تشکیل می‌شود. این جلسات شامل حداقل ۴۵ دقیقه

سخنرانی و حداقل ۴۵ دقیقه مراسم عزاداری برای سیدالشهداء[علیه السلام] و یا به‌تناسب زمان، مولودی‌خوانی در جشن‌ها و اعیاد می‌باشد. این جلسات حدود ده تا پانزده هزار نفر شرکت‌کننده ثابت دارد.

۳- مناسبت‌ها

جلسات دیگری هم داریم که علاوه بر جلسات هفتگی در طول سال به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود، ازجمله ایام شهادت حضرت امام حسین[علیه السلام]، رحلت حضرت رسول اکرم[صلی الله علیه و آله و سلم]، شهادت سایر ائمه اطهار[علیهم السلام]، ایام فاطمیه، لیالی احیاء ماه رمضان، اعیاد اسلامی، میلاد معصومین[علیهم السلام]، بزرگداشت شهدای دفاع مقدس و... . در این جلسات، به‌طور متوسط ۳۵۰۰۰ نفر شرکت می‌کنند. در برخی ایام مانند شب‌های احیاء و شب‌های تاسوعا و عاشورا حاضرین در برنامه به بیش از این رقم (حدود ۵۰۰۰۰) هم رسیده است، به‌طوری‌که علاوه بر فضای فعلی حسینیه، محوطه‌های اطراف حسینیه، زمین و سوله مجاور حسینیه و خیابان‌های اطراف را نیز اشغال می‌کنند و هیچ مکانی برای کسانی که بعد از شروع مراسم می‌آیند باقی نمی‌ماند.

گفتار دوم: ساختار تشکیلاتی کانون

آمار رسمی کادر ما ۱۵۰۰ نفر است؛ اما یکسری دیگر هم غیرفعال و گردشی هستند. هر کاری که ما در بخش برادران انجام داده‌ایم، اگر در بخش خواهران بیشتر نباشد، کمتر نیست. جداسازی ما هم خیلی قوی بوده است؛ به‌طوری‌که کار خواهران را خود خواهران انجام می‌دهند و کار برادران را هم برادران.

کار فرهنگی مشترک تبعات منفی دارد. به‌علاوه، زن در کنار مرد نمی‌تواند توانایی‌اش را نشان بدهد. به همین دلیل، ما به قسمت خواهران استقلال کامل دادیم و آن‌ها کار خودشان را دارند انجام می‌دهند. هر چیزی که در بخش برادران داریم، در بخش خواهران هم داریم. حتی فعالیت قسمت خواهران مقداری هم بیشتر است؛ زیرا آن‌ها درگیر مسائل سخت‌افزاری نمی‌شوند و تمام همّ و غمشان را گذاشته‌اند روی کار خودشان.

در بخش خواهران، رنگ و بوی احساسات قوی‌تر است. ما روی بحث ازدواج خواهران حساب بازکرده‌ایم و سعی می‌کنیم انتخاب خوبی داشته باشند.

خواهران در همه‌جا سه برابر برادران هستند. کار روی خواهران خیلی سریع جواب می‌دهد؛ یعنی یک خواهر را می‌توانیم در یک چشم به هم زدن جذب کنیم؛ ولی زیاد ماندگار نیست. وقتی ازدواج کرد همان می‌شود که شوهرش بگوید. ما اینجا خواهرانی را داشتیم که خیلی فعال بودند؛ اما وقتی ازدواج کردند، کلاً تغییر کردند. به همین دلیل ما نتیجه گرفتیم کار باید روی آقایان باشد. کار روی آقایان دیر جواب می‌دهد اما ماندگار است؛ بنابراین، ما باید طوری مدیریت کنیم که هم خانم‌ها راضی باشند و هم آقایان.

در کل، مجموعه ما از دو قسمت عمده تشکیل شده است که هرکدام کارویژه خاص خودش را دارد. این دو قسمت عبارت‌اند از

هیئت و کانون رهپویان وصال. در ادامه توضیحات، به بررسی این دو بخش می‌پردازیم.

۱- هیئت

هیئت، یکی از عمده برنامه‌های ماست که مخاطب خیلی زیادی دارد. به همین دلیل ما هم روی آن برنامه‌ریزی خاصی انجام می‌دهیم. اصل هیئت همان منبر و مداحی است که در ادامه بحث، به توضیح این دو می‌پردازیم.

۱-۱- منبر

خلاصه سخنرانی‌های ایرادشده در هر جلسه، با کم‌ترین تأخیر در وبلاگ ویژه مناسبت‌های کانون قرار داده می‌شود.

۱-۲- مداحی

ما احساسات را فقط یک تنور داغ فرض می‌کنیم. اگر این شور با شعور همراه نشود، نتیجه‌ای نخواهد داد. بحث‌هایی که من کردم، تعدد بحث‌ها، تنوع بحث‌ها، در هیچ مجلسی – حتی نیمه احساسی – هم مطرح نشده است؛ و کما فی السابق هم ادامه دارد. در ارتباط با خدا و توسل به اهل بیت[علیهم السلام] احساسات خیلی کمک می‌کند. هرچقدر احساسات بیشتر باشد، معرفت بیشتر می‌شود و هرچقدر هم معرفت بیشتر باشد، احساسات بیشتر می‌شود. ما معتقدیم معرفت و احساس دو بال هستند که اگر با هم نزنند، انسان دور می‌زند! بنابراین هردو را سعی می‌کنیم به کار بگیریم.

۱-۲-۱- انواع شعر در مداحی

شعر دو نوع است. یک نوع از همین شعرها که می‌خوانیم که در مقتل هست و حماسی است و... نوعی از شعر داریم که شعر «فولکلوریک» است. این شعر ضعیف نیست. بعضی‌ها به‌اشتباه، شعر ضعیف را با شعر فولکلوریک یکی می‌دانند. درحالی‌که فولکلوریک برای خودش یک سبک است. در ادبیات فولکلوریک

مثلاً از کلمه شما نمی‌شود استفاده کرد و باید به‌جای «شما»، از کلمه «تو» استفاده شود و خیلی موارد دیگر.

۱-۲-۲- استفاده از فنون مداحی در هیئت

این‌که گاهی در دعاخوانی می‌گوییم: «برادران داد بزنند، خواهران جیغ بزنند»، به خاطر این است که در آن دعا نوشته شده است: «کسانی که فریادشان بر ما بلند است». یا اگر در مداحی‌ها می‌گوییم «دست‌ها را بالا بیاورید»، یا «صدایتان را بلند کنید»، یا «داد بزنید»، به خاطر این است که این موارد در روایت وارد شده است.

اسم این کارها حرفه‌ای گری نیست. مستمع باید این کارها را انجام دهد و ما به او تذکر می‌دهیم و انگیزه می‌دهیم. اتفاقاً به نظر من حرفه‌ای‌گری اگر به معنای فنی بودن است، خوب است؛ زیرا باید مداح فنی باشد. مداحی که فقط برای چهار نفری که دور و برش نشسته‌اند، مداحی می‌کند، به نظر من مداحی بلد نیست. مداح باید بتواند تا انتهای مجلس را زیر نظر داشته باشد. مثلاً اگر می‌گوییم عقبی‌ها دستشان را بیاورند بالا، فردی که در انتهای مجلس نشسته است، احساس می‌کند که به او شخصیت داده‌ایم و احساس می‌کند که در مجلس است. خیلی وقت‌ها خیلی از مداح‌ها را می‌بینیم- که بعضی‌ها فکر می‌کنند خیلی حرفه‌ای هستند- فقط برای همین ده نفر روبروی خودشان دارند مداحی می‌کنند. ده نفر روبروی این مداح نشسته‌اند که دارند با شور و حال گریه و زاری می‌کنند، اما بقیه فقط نشسته و دارند نگاه می‌کنند. مداح هم کاری ندارد که بقیه افراد گریه می‌کنند یا خیر. در این حالت، مستمع احساس می‌کند که مداح با آن ده نفر کار دارد و دیگر اصلاً برایش مهم نیست که ما حال داشته باشیم یا نداشته باشیم.

بنابراین، وقتی می‌گوییم صدای گریه‌تان بیاید و...، داریم به مستمع شخصیت می‌دهیم؛ به‌طوری‌که مستمعین احساس می‌کنند که به آن‌ها هم توجه داریم. این، فن مداحی است و باید رعایت شود. کسی که این فن‌ها را رعایت نمی‌کند، اشتباه می‌کند.

مقام معظم رهبری فرمودند مداحی یک هنر است. هنر یعنی چه؟ آیا به این معنی است که مداح بنشیند پشت به جمعیت، در یک مکانی که نه آن‌ها مداح را ببینند و نه مداح آن‌ها را ببیند و بعد شروع کند برای خودش خواندن؟ بعضی‌ها می‌گویند «چه مداح مخلصی! برای خودش می‌خواند. کاری ندارد که مردم هستند یا نه و گریه می‌کنند یا نه». این، فن و هنر نیست.

۱-۲-۳- جمع کمال، جمال و مقتل در مداحی

فرمایشات مقام معظم رهبری درباره مداحی این بود که فقط توضیح و مدح جمال نباشد. ایشان هیچ‌وقت نفرمودند که از جمال معصومین نخوانید؛ بلکه برای کسانی این حرف را زدند که از اول تا آخر مجلس فقط از جمال معصومین می‌خوانند و هیچ‌چیز دیگر هم ندارند و حتی منبر هم ندارند.

در مداحی‌های ما هم هیچ‌وقت فقط جمال نبوده است. همیشه جمال و کمال و مقتل را با هم ترکیب کرده‌ایم. این سه قسمت باید با هم باشد. مداحی یعنی همین سه قسمت. همیشه هم به کسانی که اینطوری بوده‌اند ایراد می‌گرفتیم. شعرهایی که الآن در کشور معروف شده است، بند بندش مشخص است؛ یک بند جمال، یک بند کمال و یک بند هم مقتل. شعرای ما، این را به‌عنوان سرمشق می‌گذارند جلو و شعر می‌گویند.

به‌علاوه، خود منبر ما بخش عمده‌ای از بحث کمال و بحث معرفتی را پوشش می‌دهد. مستمع سینه‌زن ما با مستمع منبری ما فرق زیادی ندارد؛ یعنی درصد کسانی که پای منبر هستند و درصد کسانی که سینه‌زنی می‌کنند خیلی نزدیک به هم است. این‌گونه نیست که مجلسی باشد که در آن به منبر گوش ندهند و موقع مداحی بیایند و ما مجبور بشویم در مداحی هم تزریق معرفت کنیم. ما حرف‌هایمان را روی منبر می‌زنیم. یک ربع تا بیست دقیقه مجلس ما مداحی است. نمی‌شود که آدم همه‌اش از منطق و کمال و... حرف بزند و این یک ربع مداحی هم همین چیزها را بگوید.

۱-۲-۴- فعال‌ترین تشکل در دعوت از مداحان برجسته کشور

کانون، فعال‌ترین واحد مذهبی استان فارس در امر دعوت از مداحان کشوری برای جلسات است و سالیانه نزدیک به ۲۰ برنامه را با حضور مداحان برجسته کشور برگزار می‌نماید.

۲- کانون رهپویان وصال

بخش دوم مجموعه ما، کانون رهپویان وصال است که یک مجموعه گسترده با کارویژه‌های متنوع است. این کانون، از معاونت‌های متعددی تشکیل شده است و هر معاونت، واحدهایی را تحت نظر خود مدیریت می‌کند که به توضیح هریک از این‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- معاونت پشتیبانی و مالی

همان‌طور که از نام این معاونت پیداست، همه مسائل و امور پشتیبانی، اعم از پرسنلی، انتظامات و ترابری را انجام می‌دهد.

۲-۱-۱- واحد پرسنلی

واحد پرسنلی کانون فرهنگی رهپویان وصال باهدف عضوگیری و آمارگیری افراد عضو، وظایف ذیل را انجام می‌دهد:

- ثبت‌نام اعضاء کانون با استفاده از فرم عضویت و مدارک ایشان
- استفاده از سیستم کامپیوتری جهت ثبت مشخصات اعضاء کانون (بانک اطلاعاتی)
- تفکیک اعضاء کانون بر اساس مهارت و تخصص
- صدور کارت برای اعضاء کانون و مهر نمودن کارت‌ها در مراسم شنبه‌شب‌ها (ویژه خواهران)
- ثبت‌نام از متقاضیان جهت شرکت در برنامه‌ها

۲-۱-۲- واحد انتظامات

انتظامات کانون رهپویان وصال، یار و مددکار کانون از ابتدای کار شروع کانون بوده است. این واحد شامل بخش‌های اجرایی،

فرهنگی و ورزشی است و هرکدام وظایف خاص خود را دارند که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۱-۲-۱- الف بخش اجرایی

- - انتظامات داخل مجلس که مسئول برقراری نظم داخل مجلس و کنترل ورود و خروج مستمعین و حفظ نظم برگزاری نماز جماعت است.
- - انتظامات بیرون مجلس که مسئول برقراری نظم خارج از جلسه اعم از کنترل درب ورودی برادران، همکاری با واحد ترابری کانون، جهت پارک سرویس‌های رفت‌وبرگشت، تسهیل تردد اتوبوس‌ها در خیابان‌های اطراف و کنترل کامل تردد اتومبیل‌ها در هنگام خروج خواهران است.
- - انتظامات اجرایی مناسبت‌های خاص که شامل مراسم‌های شب‌های قدر، ایام اعتکاف، عرفه، محرم، فاطمیه و سفرهای زیارتی است. علاوه بر فعالیت‌های مذکور، فعالیت‌هایی چون خروج اضطراری، نماز جماعت، ایجاد نظم در حرکت اتوبوس‌ها در سفرهای زیارتی، انتقال زائران از پایانه‌ها به محل اسکان، نظم کلیه مراسمات سفر، برقراری نظم در حرکت‌های دسته‌جمعی برادران و خواهران و... جزء وظایف این بخش است.

۲-۱-۲-۲- بخش فرهنگی

یکی از وظایف مهم در انتظامات ایجاد رابطة خوب و دوطرفه با مستمعین و مردم بیرون از حسینیه است که این مهم به‌وسیله اطلاع‌رسانی خوب واحد فرهنگی بر روی اعضای انتظامات محقق می‌شود.

بخش فرهنگی انتظامات که فعالیت‌های جدیدی را راه‌اندازی کرده است وظایفی را برعهده‌گرفته است اعم از تشکیل نوارخانه و برگزاری نمایشگاه در مراسم‌ها، برپایی وب‌سایت انتظامات و به‌روز کردن آن، بعلاوه در برنامه‌ریزی‌های اخیر در چارت فرهنگی زیرمجموعه‌های عقیدتی، تبلیغات، وبلاگ و اینترنت، علمی و نشریه در نظر گرفته شده است.

۲-۱-۲-۳- بخش ورزشی

واحد ورزشی انتظامات به‌زودی فعالیت‌های خود را در قالب ورزش‌های رزمی، کوهپیمایی و فوتبال راه‌اندازی می‌کند. البته این واحد چند وقتی است که با فعالیت‌های ورزشی گوناگون نظیر فوتبال، واحد انتظامات را یاری می‌کند.

۲-۱-۳- واحد ترابری

به‌منظور رفاه حال شرکت‌کنندگان در جلسات، امنیت خاطر خانواده‌های ایشان و نیز کاهش هزینه، این واحد نسبت به تأمین سرویس هفتگی در مسیرهای متعدد اقدامات قابل‌توجهی بدین شرح انجام داده:

الف) تأمین وسایل نقلیه موردنیاز جهت شرکت مردم در کلیه جلسات که شامل اتوبوس، مینی‌بوس و تاکسی‌تلفنی با نرخ‌های مصوب سازمان اتوبوسرانی شیراز و حومه است.

ب) سازماندهی و مسیربندی سرویس‌های درون‌شهری؛

ج) تأمین خودروهای موردنیاز جهت کاروان‌های زیارتی کانون؛

د) تأمین وسایل نقلیه سبک و سنگین در جلسات خاص، همچون اعتکاف، دهه محرم و...

۲-۲- معاونت روابط عمومی

وظیفه این معاونت، ایجاد هماهنگی بین معاونت‌هاست. در بخش روابط عمومی بیشتر با مسئولین و علمای درجه‌یک استانی ارتباط می‌گیریم و یا با نهادها و ارگان‌ها، برای رایزنی و اخذ کمک مالی ارتباط برقرار می‌کنیم.

به عبارتی، وظایف معاونت روابط عمومی، به دو دسته تقسیم می‌شود: یک دسته کارهایی که درون‌سازمانی است و آن، ایجاد هماهنگی بین معاونت‌ها است. دسته دوم، وظایف و کارهای برون‌سازمانی است که شامل اطلاع‌رسانی، مصاحبه، ارتباط با مدیران و کارهایی ازاین‌دست می‌شود.

۲-۳- معاونت اجرایی

معاونت اجرایی از سه واحد تدارکات، امداد و نجات و تبلیغات تشکیل شده است.

۲-۳-۱- واحد تدارکات

برنامه‌های این واحد به دو گروه اجرایی و فرهنگی تقسیم می‌شود که برنامه‌های فرهنگی، ویژه اعضاء واحد است.

۲-۳-۱-۱- الف) برنامه‌های اجرایی

- انجام کلیه امور مربوط به حوزه پشتیبانی و تدارکات در تمام برنامه‌ها و جلسات
- تهیه، طبخ و توزیع غذا در مناسبت‌های مختلف بین شرکت‌کنندگان مانند اعتکاف، کاروان‌ها، اردوها، ماه محرم، نیمه شعبان و...
- انجام کلیه امور پشتیبانی واحدهای کانون
- آماده‌سازی فضاهای موردنیاز برنامه‌ها اعم از تأسیسات، تهویه، جداسازی و...

۲-۳-۱-۲- برنامه‌های فرهنگی

- تهیه نشریه داخلی جهت استفاده اعضاء
- جلسات پرسش و پاسخ، پیرامون سخنرانی‌های ایراد شده در جلسات، به‌صورت درون‌گروهی
- اهداء هدیه و یادگاری به شرکت‌کنندگانی که در جلسات هفتگی و مناسبت‌ها این واحد را یاری می‌نمایند.

۲-۳-۲- واحد امداد و نجات

واحد امداد و نجات باهدف امدادرسانی و ارائه خدمات پزشکی و همچنین آموزش امداد به اعضاء کانون است. برنامه‌ها و فعالیت‌های این واحد عبارت است از:

- تشکیل گروه امداد و نجات؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی امداد؛
- تهیه کلکسیون داروئی و اطلاعات داروئی جهت اطلاع از عوارض سوءمصرف داروها؛

- جمع‌آوری داروهای مازاد خانگی و توزیع آن‌ها بین خانواده‌های تحت پوشش خیریه؛
- تشکیل تیم پزشکی جهت برنامه‌های خاص کانون (کاروان مشهد و اعتکاف)؛
- تهیه بروشورهای سلامت به مناسبت هفته سلامت؛
- ارائه مشاوره پزشکی به اعضاء کانون؛
- همکاری با واحد خیریه کانون و برگزاری جلسات بهداشتی و مشاوره برای خانواده‌های تحت پوشش؛
- همکاری با مساجد جهت برگزاری کلاس‌های تابستانی؛
- همکاری با کمسیون بانوان جهت برگزاری کلاس‌های تابستانی؛
- تهیه بروشور برای روز هلال‌احمر و اهداء خون؛
- همکاری با سازمان انتقال خون و راه‌اندازی طرح اهداء خون در کانون به‌صورت دوره‌ای

۲-۳-۳- واحد تبلیغات

واحد تبلیغات باهدف آماده‌سازی گروه‌های متخصص تبلیغاتی درزمینه‌های طراحی و فتوشاپ، خط و نقاشی، عکاسی و فیلمبرداری، خبرنگاری، ساخت تیزر، کلیپ و... فعالیت خود را آغاز نمود که شامل بخش‌های زیر است:

الف) آموزش و تحقیقات، باهدف ارتقاء تحصیلی اعضاء

ب) کامپیوتر، جهت طراحی وبلاگ مربوطه و نیز آگهی‌نماهای جلسات

ج) کارگاه تبلیغات، جهت تهیه موارد مربوطه در راستای آماده‌سازی جلسات فعالیت‌های انجام‌شده.

وظایف این کارگاه عبارت‌اند از:

- هماهنگی و نظارت بر کلیه برنامه‌های تبلیغاتی واحدهای کانون در سفرهای مشهد، اعتکاف و مناسبت‌های خاص؛
- برگزاری دوره آموزشی فتوشاپ؛
- برگزاری دوره آموزشی خبرنگاری و عکاسی خبری؛

- برگزاری دوره آموزشی مدیریت رفتار و مدیریت زمان ویژه مسئولین کادر خواهران؛
- برگزاری دوره آموزشی تبلیغات به‌صورت تخصصی ویژه اعضای کادر؛
- برگزاری دوره آموزشی طرح نویسی و گزارش‌نویسی به‌صورت تخصصی؛
- تزئینات حسینیه و دکوربندی در کلیه مناسبت‌ها و برنامه‌ها؛
- تهیه، توزیع و نصب پوسترها و آگهی‌نماهای تبلیغاتی برنامه‌ها در مدارس، دانشگاه‌ها و سطح شهر.

۲-۴- معاونت فرهنگی

معاونت فرهنگی کانون، یک قسمت عمده از کانون را تشکیل می‌دهد که حدود ۲۰ واحد را در زیرمجموعه خود جای داده است. البته این، به معنای مدیریت همه این واحدها نیست؛ بلکه واحدهای زیرمجموعه معاونت فرهنگی، به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته واحدهایی که به‌صورت مستقیم، زیر نظر این معاونت فعالیت می‌کنند و دسته دوم، واحدهایی که جنبه استقلالی دارند و تنها دو وظیفه نسبت به کانون بر عهده‌دارند؛ یکی این‌که در جلسات شنبه‌شب‌های کانون شرکت کنند و دیگر این‌که به‌صورت مستمر، با مسئول معاونت فرهنگی کانون جلساتی در رابطه با شیوه اداره کار برگزار نمایند. ما در اینجا، برای سهولت فهم، از دسته اول، تحت عنوان سیستم متمرکز و از دسته دوم، با عنوان سیستم غیرمتمرکز بحث می‌کنیم.

۲-۴-۱- واحدهای سیستم متمرکز

۲-۴-۱-۱- صندوق قرض‌الحسنه وصال

۲-۴-۱-۲- واحد لشکر رسانه‌ای

با توجه به اهمیت خاص رسانه و نیز تکنیک‌های روانی آن و فرصت و یا تهدید بودن آن این واحد باهدف بررسی فعالیت‌های

رسانه‌ای و حضور در عرصه رسانه‌ای تصویری و دیجیتالی راه‌اندازی شده است. شرح فعالیت‌های این واحد عبارت است از:

- تشکیل تیم‌های منسجم و متخصص در امور رسانه‌های تصویری؛
- تولید محصولات رسانه‌ای فرهنگی؛
- برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی باهدف شناساندن ماهیت رسانه و راهکارهای استفاده فرهنگی آن؛
- برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در ارتباط با ماهواره و فرصت و یا تهدید بودن آن؛
- آموزش تخصصی به اعضاء واحد جهت ارتقاء کیفی محصولات؛
- تهیه بروشور و جزوات تخصصی مربوطه جهت استفاده عموم؛
- تولید فیلم‌های کوتاه و شرکت در جشنواره‌های محلی.
- واحد انتشارات

هدف از تشکیل این واحد انتشار سخنرانی‌های هیئت، به‌صورت جزوه و کتاب و فروش در سطح استان و کشور است. فعالیت‌های این واحد به شرح زیر است:

- پیاده کردن متن کامل سخنرانی‌های ایرادشده در هیئت
- ویرایش و تایپ متن سخنرانی‌ها
- تکثیر و فروش جزوات
- طرح اشتراک کتاب با تبلیغات گسترده در مدارس شهر شیراز؛
- فروش کتاب در غرفه انتشارات با موضوعات مختلف به‌صورت هفتگی در کانون؛
- بررسی کتاب‌های جدید و مفید برای نوجوانان و جوانان و عرضه آن‌ها در غرفه وصال؛
- خلاصه کردن کتاب‌های مفید و قطور و معرفی آن‌ها به اعضای کانون؛

- تحقیق و بررسی در مورد افرادی که صاحب اثرات چاپی هستند و پیگیری واحد انتشارات برای چاپ و انتشار آن؛
- تهیه و چاپ کتاب «*لخته‌های دل*» که دست‌نوشته‌های خود بنده است.

۲-۴-۱-۳- واحد خیریه

هم‌اکنون بیش از ۱۸۲ خانوار (قریب به ۸۵۰ نفر) واجد شرایط تحت پوشش خیریه وصال قرار دارند که به‌صورت هفتگی و ماهیانه مبالغی به‌عنوان آبونمان، تحصیل، ازدواج، درمان، اجاره خانه و کمک به اقساط عقب‌مانده نقداً به ایشان پرداخت می‌گردد. سایر وظایف این واحد عبارت‌اند از:

- پاسخگویی به مراجعات حضوری و رفع مشکلات آن‌ها در روزهای دوشنبه هر هفته؛
- توزیع مواد غذایی و بهداشتی در آخر هرماه به میزان افراد خانواده‌های تحت پوشش؛
- رفع مشکلات درمان خانواده‌های تحت پوشش، اعطای وام درمان به خانواده‌های تحت پوشش؛
- سرکشی و رسیدگی مادی- معنوی به خانواده‌های تحت پوشش؛
- رفع مشکلات مسکن و تعمیرات آن؛
- ایجاد ارتباط و بهره‌گیری از مشاوره قبل از ازدواج برای پسران و دختران خانواده‌های تحت پوشش؛
- اعطای وام‌های ازدواج به خانواده‌های تحت پوشش؛
- تهیه جهیزیه و سیسمونی از طریق جذب نذورات و کمک‌های مردمی؛
- خرید پوشاک نوروز (مانتو، شلوار زنانه، چادر، پیراهن مردانه، شلوار مردانه، کفش و...) و همچنین تأمین لوازم سرمایشی نظیر کولر و پنکه؛
- دادن افطاری به همه اعضاء تحت پوشش در ماه مبارک رمضان دریکی از ایام ماه مبارک؛

- خرید پوشاک، مانتو، شلوار، کفش، مقنعه، بلوز، پیراهن و... در هر شش ماه یکبار؛
- خرید لوازم‌التحریر و البسه مدرسه (مانتو، شلوار، کفش، مقنعه و...)؛
- پرداخت شهریه ثبت‌نام دانش آموزان تحت پوشش؛
- اهداء جوایز به دانش آموزان موفق درزمینة تحصیلی؛
- اهداء کمک‌های نقدی بلاعوض به خانواده‌های تحت پوشش؛
- فرستادن جمعی از اعضاء تحت پوشش به سفر زیارتی مشهد مقدس جهت تقویت روحیه معنوی؛
- ثبت‌نام تعداد کثیری از جوانان دختر و پسر خانواده‌های تحت پوشش در اعتکاف بزرگ جوانان در سال ۱۳۸۶؛
- برپایی غرفه خیریه در کلیه جلسات هفتگی کانون فرهنگی رهپویان وصال در شنبه‌شب‌ها و سایر مناسبت‌ها؛
- طرح‌های اجرایی به‌منظور تأمین اعتبار و تقویت بنیه مالی مؤسسه خیریه به جهت رسیدگی هرچه بهتر به خانواده‌ها.

۲-۴-۱-۳-۱- طرح‌های اجرایی خیریه

- توزیع کارت انفاق؛
- توزیع کارت اشتراک؛
- توزیع قلک؛
- طرح نقدی؛
- طرح سلامت (جهت کمک به درمان نیازمندان)؛
- طرح دردی از جنس نیاز (جهت کمک به درمان نیازمندان)؛
- طرح جمع‌آوری مبلغ ۲۰۰ تومان از هر نفر در ایام اعتکاف؛
- طرح جمع‌آوری پول جهت تهیه افطاری در شب‌های قدر؛
- طرح تأمین وسایل گرمایشی در آغاز فصل گرما و وسایل سرمایشی در آغاز فصل سرما؛
- طرح گوشت قربانی در روز عرفه جهت جمع‌آوری وجوه نقدی و یا دریافت گوسفند قربانی؛

- طرح مهر (دریافت کمک‌های مردمی به‌منظور خرید لوازم‌التحریر)؛
- طرح خانه سرد؛ جهت تعمیر منازل نیازمندان؛
- طرح مثل کویر؛ در راستای تـأمین وسایل گرمایشی در زمستان؛
- طرح به خاطر نان شب؛ به‌منظور جمع‌آوری کمک‌های مردمی در ایام ماه مبارک رمضان؛

۲-۴-۱-۳-۲- برنامه‌های فرهنگی برای خانواده‌های تحت پوشش

- برگزاری امتحان از کتاب‌های احکام و تفسیر سوره‌های قرآنی از فرزندان تحت پوشش، جهت تقویت بنیه اعتقادی، مذهبی و اجتماعی برای سنین مختلف و فرستادن برندگان این مسابقه به مشهد مقدس در شهریور و اسفند؛
- برگزاری نمایشگاه‌های مختلف در اعتکاف و کاروان‌های مشهد مقدس درزمینه‌های مختلف؛
- مشاوره درزمینه‌های ازدواج، تحصیل، اشتغال توسط مشاوران برجسته و متخصص درزمینه‌های مختلف؛
- افتتاح نوارخانه و کتابخانه اختصاصی مؤسسه خیریه رهپویان وصال ویژه خانواده‌های تحت پوشش؛
- ارائه نوارهای مذهبی، آموزشی و سخنرانی به‌صورت چرخشی برای تمام اعضاء تحت پوشش؛
- اردوهای زیارتی برای والدین و سرپرستان خانواده‌های تحت پوشش و همچنین فرزندان ایشان هرکدام به‌صورت جداگانه؛
- ثبت‌نام جوانان دختر و پسر خانواده‌های تحت پوشش در اعتکاف بزرگ جوانان.

۲-۴-۱-۴- واحد نوارخانه و کتابخانه

نوارخانه و کتابخانه امانی حضرت فاطمه الزهرا[سلام الله علیها] از سال ۱۳۷۷ باهدف ترویج فرهنگ علمی از طریق فناوری‌های سمعی-بصری و امکان‌پذیر بودن تهیه و استفاده از محصولات فرهنگی برای

همهٔ اعضا و در ۲ نقطه شهر آغاز به فعالیت نمود. شرح فعالیت‌های این واحد عبارت است از:

- ارائه نوارها و سی‌دی‌های سخنرانی و مداحی، به‌صورت امانی
- ارائه کتاب و جزوات مختلف به‌صورت امانی
- برگزاری مسابقه از سخنرانی‌های ایرادشده در جلسات هیئت

۲-۴-۱-۵- واحد تربیت‌بدنی

واحد تربیت‌بدنی با هدف ارائه امکانات ورزشی و آموزشی رشته‌های مختلف ورزشی به متقاضیان علاقه‌مند در کانون فعالیت خود را آغاز نمود.

از برنامه‌های این واحد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برگزاری کلاس‌های ورزشی در رشته‌های والیبال، نیوکونگ فو، بدمینتون، هندبال، فوتسال، کاراته، بدنسازی؛
- برگزاری اردوهای فرهنگی ورزشی؛
- تشکیل تیم والیبال و قهرمانی در مسابقات استانی (ویژه خواهران)؛
- حضور اعضاء تیم نیوکونگ فو در مسابقات کشوری و استان فارس (ویژه خواهران)؛
- تهیه و توزیع نشریه ورزشی کانون؛
- معرفی ورزشکاران نمونه کانون در رشته‌های مختلف ورزشی؛
- برپایی برنامه‌های کوهنوردی (ویژه برادران)؛

۲-۴-۱-۶- مؤسسه میعاد وصل

این واحد به‌منظور آشنایی نسل جدید با مفاهیم عمیق مطالعاتی و علی‌الخصوص دشمن‌شناسی و...، طی یکسری نشست‌های داخلی و یکسری جلسات عمومی به شرح ذیل فعالیت‌های متنوعی را دنبال می‌نماید:

- تهیه و تولید و فروش کتاب، محصولات سمعی و بصری، کلاس‌های علمی و هنری، تهیه جُنگ، نشریه، پوستر، مسابقه کتاب، نمایشگاه و...؛
- برگزاری هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های مختلف درزمینه‌های نقد فیلم، بحران‌های خاورمیانه و عراق، سیاست‌های کلی امریکا و اسرائیل در قبال دنیا، تهاجم فرهنگی و...؛
- برگزاری دوره‌های کارگاهی دشمن‌شناسی و غرب‌شناسی؛
- برگزاری دوره کامل اصول عقاید، مهدویت، سیر مطالعاتی کتب استاد مطهری، غرب‌شناسی، صهیونیسم شناسی؛
- شرکت شورای مرکزی در دوره‌های مختلف دشمن‌شناسی و کارگاه‌های مدیریت فرهنگی در تهران؛
- برگزاری مسابقات کتاب «مبانی توسعه و تمدن غرب»، «فتح خون»، «یاد او»، «دست‌های ناپیدا»، «تاریخ تحلیلی دشمن‌شناسی» و...؛
- ارائه نشریه «آوای وصل» و تحقیقات درزمینه‌های «بهائیت»، «هویت»، «تهاجم فرهنگی»، «هولوکاست»، «انتفاضه فلسطین»، «روند بحران در خاورمیانه» و...؛
- برپایی نمایشگاه «زیتون سرخ و هم‌آوازی با انتفاضه فلسطین»، «مثل آتش که در دل سنگ...»، «دستاوردهای انقلاب اسلامی»، «آب، آینه و آفتاب»، «معرفی واحدهای کانون فرهنگی رهپویان وصال»، «آفتاب سرخ»، «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»؛
- برگزاری هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های «فاطمه آخرالزمان»، «دشمن‌شناسی ۱ و ۲»، «ناقوس فروپاشی» پیرامون واقعه هلوکاست، «مدیریت آخرالزمانی رسانه‌های تصویری».

۲-۴-۱-۷- واحد علمی تحقیقاتی باصر

اهداف و وظایف این واحد بدین شرح است:

- بسط و گسترش و تعمق تفکر دینی؛
- تغذیه فکری اعضاء کادر مجموعه و برطرف نمودن چالش‌های فکری و عقیدتی ایشان؛

- ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی؛
- بیدار نمودن حس پرسشگری و جستجو در جهت پاسخگویی به مشکلات فکری جوانان؛
- تربیت نیروی پژوهشگر؛
- اطلاع‌رسانی در موضوعات خاص و روز جامعه؛
- آگاه‌سازی و آماده‌سازی افراد جهت افزایش توانایی‌های فردی؛
- پرداختن به موضوعات تاریخ اسلام، غرب‌شناسی، رنسانس، رسانه‌ها، لیبرالیسم، مدرنیته، اومانیسم، دین‌گریزی، سکولاریسم و... به‌صورت سلسله جلسات درونی (مخصوص برادران).

۲-۴-۱-۸- واحد نخبگان

این واحد در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی به‌منظور نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری تشکیل شد. برنامه‌ها و فعالیت‌های این واحد بدین شرح است:

- راه‌اندازی مرکز تحقیقات جنبش نرم‌افزاری؛
- راه‌اندازی بانک اطلاعات نخبگان؛
- راه‌اندازی بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
- فعال کردن نهادهای اداری دبیرخانه؛
- شروع به چینش نیروها و تشکیل هسته‌های اولیه مراکز تحقیقاتی علمی پنج‌گانه (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، هنر و علوم پزشکی)؛
- جلب حمایت‌های مادی و معنوی برای فعال کردن پروژه‌های تحقیقاتی و فراخوان طرح‌های پژوهشی؛

۲-۴-۱-۹- ی) واحد دانشجویی

واحد دانشجویی باهدف ایجاد تحولات فکری- فرهنگی در دانشگاه‌های سراسر کشور تأسیس و در سال ۱۳۸۱ برای اولین بار با عنوان تشکل دانشجویی وصال در دانشگاه آزاد اسلامی شیراز و سپس به‌عنوان تشکل باران در آذرماه سال ۸۳ در دانشگاه سراسری شیراز به فعالیت‌های خود رسمیت بخشید.

کارکرد و فعالیت‌های این واحد که متشکل از دانشجویان است، به شرح زیر است:

- تشویق و ترغیب اعضاء کانون جهت ورود به دانشگاه‌ها از طریق معرفی اعضاء برتر؛
- تشکیل تشکل‌های مختلف در دانشگاه‌ها مانند تشکل وصال، تشکل باران و...؛
- تشکیل شورای مرکزی دانشجویان؛
- راه‌اندازی برد دانشجویی در کانون به‌منظور اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها به دانشجویان؛
- آموزش فن تبلیغ و کارکرد فرهنگی به دانشجویان؛
- توزیع نوار، کتاب و جزوات در دانشگاه‌های سراسر کشور، توسط رابطین مربوطه؛
- برگزاری اردوهای تفریحی، همراه با کلاس‌های آموزشی؛
- برگزاری اردوهای زیارتی قم و جمکران و مشهد مقدس ویژه دانشجویان؛
- برپایی جلسات پرسش و پاسخ با موضوعات روز، ویژه دانشجویان؛
- هماهنگی جهت سخنرانی حجت‌الاسلام انجوی نژاد در دانشگاه‌های مرتبط؛
- برگزاری کارگاه آموزشی عبور از خط؛
- تهیه و توزیع جزوات مختلف در میان دانشجویان با موضوعاتی همچون دکتر شریعتی، جلال آل احمد، شهید آوینی، شهید مطهری و...؛
- برپایی جشن برای دانشجویان جدیدالورود در میان اعضاء کانون و تقدیر از نفرات برتر.

۲-۴-۱-۱۰- ک) واحد قرآنی

واحد قرآنی با هدف آشنایی اعضاء کانون با معارف عمیق قرآنی و قرائت و حفظ قرآن، نگاه جوان به قرآن و انسی همراه با محبت اعضاء به قرآن راه‌اندازی و در بخش‌های زیر شروع به فعالیت کرد.

- تحقیقات: ارائه کارهای تحقیقاتی بر روی قرآن و پاسخ به شبهات
- نشریه: آشنایی با مفاهیم قرآنی، قصص قرآنی، طریقه صحیح حفظ، آشنایی با برکات انس با قرآن
- تبلیغات: فضاسازی و تبلیغات تمام نشست‌ها و جلسات قرآنی
- پرسنلی: عضوگیری و ساماندهی همه نیروها بر اساس تخصص
- تواشیح: همخوانی تواشیح در همایش‌ها و مناسبت‌های خاص (اعتکاف و کاروان‌های زیارتی مشهد)
- آموزشی: برگزاری کلاس‌های حفظ، قرائت، مکالمه، تفسیر و...
- حفاظ: ساماندهی نیروهای حافظ و آموزش تخصص‌های مختلف این عزیزان به جهت امر تبلیغ

برخی از فعالیت‌های انجام‌شده توسط این واحد عبارت‌اند از:

- برگزاری کلاس‌های «تجوید، حفظ، دورة قرآن مختص حفاظ، پرسش و پاسخ تفسیر موضوعی، مهدویت از دیدگاه قرآن، اصول و عقاید و روانشناسی قرآن»؛
- برپایی غرفه واحد قرآنی در ایام اعتکاف و برگزاری برنامه‌های متنوع از قبیل تواشیح، تفسیر قرآن، همخوانی؛
- برپایی کلاس دو روزه تجوید، همچنین برگزاری محفل انس با قرآن با حضور قاریان ممتاز؛
- برگزاری همایش با موضوعات مختلف مانند قرآن و ریحانه و محفل انس با قرآن و...؛
- برگزاری دوره‌های ختم قرآن؛
- برگزاری مسابقه جرعه‌های وصل که به‌صورت هفتگی برگزار می‌گردد؛
- برگزاری مسابقات آخرین پناه به مناسبت ماه مبارک رمضان؛

- تهیه و توزیع بروشور نجوای ضیافت در سطح مساجد شهر؛
- همکاری با دانشکده علوم پزشکی درزمینهٔ آموزش مسئولین قرآنی بسیج استان فارس؛
- ارائه فعالیت‌های عملکرد این واحد در غرفه نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم - تهران؛
- برگزاری کلاس‌های روخوانی و تجوید برای اعضای کادر؛
- اجرای همخوانی و تواشیح در مناسبت‌ها و اعیاد.

۲-۴-۱-۱۱- واحد شهدا

این واحد با اهداف ذیل فعالیت خود را آغاز نمود.

- زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره هشت سال دفاع مقدس؛
- آشنایی با سیره شهدا و القاء معرفت نسبت به شهید و شهادت به عموم؛
- حفظ آثار شهدا و دفاع از آرمان‌های شهدا؛
- معرفی شهدا به‌عنوان الگوهای دینی، اجتماعی، سیاسی و... به‌عنوان نسلی که با جوانان امروز فاصله زیادی نداشتند.
- برخی فعالیت‌های این واحد عبارت‌اند از:
- آموزش اعضاء درزمینه‌های فیلمبرداری، مصاحبه، خبرنگاری و...؛
- برگزاری همایش‌های مختلف (گلبرگ‌های لاله، بزرگداشت شهید برونسی و...)؛
- حضور فعال در سفرهای مشهد و اعتکاف با برنامه‌هایی مانند سفره هفت‌سین با موضوع شهدا ویژه عید نوروز، راه‌اندازی خلوتگاه در محیط اعتکاف، ایستگاه صلواتی و...؛
- طراحی و تدوین و ساخت فیلم‌های کوتاه و صامت در حوزه دفاع مقدس؛
- مصاحبه و دیدار با خانواده شهدا؛
- برپایی نمایشگاه عملیات کربلای ۴ و ۵؛
- تهیه نرم‌افزار و نمایشگاه کتاب ویژه شهدا؛

- راه‌اندازی وبلاگ شاهدان وصال و ایجاد ارتباط با سایت‌ها و وبلاگ‌های مرتبط؛
- راه‌اندازی مرکز مطالعات تخصصی دفاع مقدس.

۲-۴-۱-۱۲- واحد طلاب

خدمات ارائه شده توسط این واحد عبارت است از:

- پاسخگویی به سؤالات شرعی در جلسات هفتگی شنبه‌شب‌ها، کاروان‌ها و اعتکاف به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم ؛
- برگزاری نشست واحد طلاب به‌منظور هم‌اندیشی هرچه بیشتر و فعال نمودن شبکه ارتباطی بین طلاب؛
- کلاس روش تحقیق (ویژه خواهران طلبه)؛
- مباحثه سخنرانی‌های حجت‌الاسلام انجوی نژاد به‌صورت درون گروهی؛
- کتابخانه و نوارخانه (درون گروهی)؛
- تکثیر جزوات (شب‌های قدر، حزب‌الله از منظر شهید آوینی)؛
- پرسش و پاسخ درزمینه‌های مباحث توحید، توسل، عشق به ائمه، جبر و اختیار، عدل، مرگ، عذاب الهی، دعوت پیامبر (ص)، نیاز به وحی، شفاعت، معصومیت ائمه (ع)، حجاب و...؛
- برگزاری همایش شیعه شناسی (مخصوص اعضای کادر)؛
- برگزاری همایش احرام سبز به‌صورت مشترک با واحد دانشجویی، پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه؛
- تربیت نیروهای مبلغ جهت سخنرانی در دبیرستان‌های شیراز؛

همچنین صندوق قرض‌الحسنه این واحد در حال حاضر به‌صورت درون‌گروهی فعال است.

این واحد از گروه‌های ذیل تشکیل شده است:

۲-۴-۱-۱۲-۱- گروه احکام

برنامه‌های گروه احکام شامل دو بخش است:

۲-۴-۱-۱۲-۱-۱- برنامه‌های ثابت

مباحثه احکام در هر شنبه به مدت یک ساعت و نیم، جمع‌آوری و تهیه و تنظیم سؤالات و استفتائات احکام درزمینه‌های مختلف جهت ارسال به دفتر مراجع عظام

۲-۴-۱-۱۲-۱-۲- برنامه‌های مقطعی

پاسخگویی به سؤالات شرعی در مناسبت‌های مختلف ازجمله کاروان‌های مشهد، اعتکاف، شرکت در جلسات واحدهای مختلف و بیان احکام به‌صورت اجمالی برگزاری کلاس تخصصی احکام توسط اساتید مجرب در آموزشگاه کانون

۲-۴-۱-۱۲-۲- گروه مبلغین

وظیفه این گروه، آموزش نیروهای طلبه درزمینه‌های سخنرانی و تبلیغ در دبیرستان‌ها است.

۲-۴-۱-۱۲-۳- گروه تحقیقات

فعالیت‌هایی که این گروه انجام داده، عبارت است از تحقیق و بررسی شخصیت و زندگی استاد شهید مرتضی مطهری (ره) و ارائه در قالب نمایشگاه، تحقیق با موضوع مقام استاد و وظیفه شاگرد نسبت به استاد به مناسبت هفته معلم در قالب بروشور، پرسش و پاسخ به شبهات (از دیدگاه استاد مطهری (ره) در قالب جزوه)

۲-۴-۱-۱۲-۴- گروه اصول عقاید

وظیفه این گروه، مطالعه و تحقیق پیرامون مباحث مختلف اعتقادی است.

۲-۴-۱-۱۲-۵- گروه شیعه شناسی

این گروه، دو وظیفه بر عهده دارند. یکی مطالعه و مباحثه در باب مذهب شیعه و قالب‌بندی این مباحث برای استفاده عموم است و دیگری، برگزاری همایش شیعه‌شناسی به مناسبت روز جهانی قدس است.

۲-۴-۱-۱۲-۶- گروه تبلیغات

بورد واحد طلاب، شامل قسمت‌های: پاسخ به سؤالات شرعی، استفتائات جدید، اخبار، مناسبت‌ها و نکات عرفانی و اخلاقی، در دست این گروه است.

۲-۴-۲- واحدهای سیستم غیرمتمرکز

این واحدها به‌صورت مستقل به فعالیت‌های خود می‌پردازند؛ اما موظف‌اند هر هفته در جلسات شنبه‌شب‌های هیئت شرکت نمایند. هم‌چنین، به‌صورت ثابت جلساتی با معاونت فرهنگی کانون، در جهت تسهیل انجام امور، دارند. این واحدها به شرح زیر می‌باشند.

۲-۴-۲-۱- مرکز پزشکی سنتی رهپویان وصال

۲-۴-۲-۲- فروشگاه فرهنگی صوت الحسین

۲-۴-۲-۳- کارگاه دوخت

هدف این واحد ایجاد اشتغال و سرویس‌دهی اعضاء کانون در حد بضاعت است.

شرح فعالیت‌های این کارگاه به‌قرار زیر است:

- برگزاری کلاس‌های آموزشی؛
- گرفتن سفارش‌های کلی و جزئی؛
- برگزاری نمایشگاه؛
- دوخت لباس‌های سفید (احرام)، همزمان با برگزاری مراسم اعتکاف؛
- دوخت و فروش انواع ساق‌دست در دانشگاه‌ها و شهرستان‌ها؛
- دوخت مقنعه‌های رنگی (ویژه جشن)؛
- دوخت جلیقه‌های مشکی و رنگی (ویژه ایام محرم و جشن ویژه برادران)؛
- دوخت چادر و سجاده‌های جشن تکلیف.

۲-۴-۲-۴- واحد هنرهای نمایشی

واحد هنرهای نمایشی با فراهم‌سازی بستر مناسب جهت ارائه معارف اسلامی در قالب هنرهای نمایشی و همچنین ایجاد محیط

مناسب برای بالفعل نمودن استعدادهای درخشان راه‌اندازی و شروع به‌کار کرد.

۱. شناسایی استعدادهای مربوطه از طریق فراخوان و مصاحبه؛
۲. برگزاری کلاس‌های آموزشی؛
۳. اجرای تئاتر در مناسبت‌های مختلف به‌ویژه در سفرهای زیارتی مشهد مقدس، ماه محرم، ایام فاطمیه و شب‌های قدر، همزمان با جلسه کانون. مهم‌ترین این تئاترها عبارت‌انداز: تئاتر «اعجاز زمان» به مناسبت شهادت حضرت رقیه[سلام الله علیها] به‌صورت عمومی در سطح شهر، پیرامون واقعه کربلا، تئاتر «گل یاس»، پیرامون مسائل اجتماعی، تئاتر طنز «شربت فروش»، تئاتر «شفا»، ویژه اعتکاف، تئاتر «بازی شطرنج، بازی زندگی» در ارتباط با برخورد انسان امروزی با گناهان و رابطه فشارهای اجتماعی و فطرت پاک انسانی.
۴. برگزاری دوره کامل آموزش بازیگری به‌صورت دوماهه
۵. برگزاری نشست‌های داخلی پیرامون هنر اسلامی

۲-۴-۲-۵- واحد سمعی و بصری

افزایش روزانه فنّاوری و نوآوری در عرصه‌های تصویر و دیجیتال ایجاب می‌کند نسبت به بروز رسانی و ارتقاء سیستم‌های صدابرداری و تصویربرداری بیش‌ازپیش اهتمام نماییم؛ لذا واحد سمعی بصری با استفاده از آخرین فنّاوری روز نسبت به موارد ذیل انجام‌وظیفه می‌نماید:

- ضبط دیجیتالی کلیه جلسات و برنامه‌ها؛
- تصویربرداری حرفه‌ای از جلسات و برنامه و میکس و مونتاژ آن جهت عرضه به متقاضیان؛
- همکاری با گروه کامپیوتر جهت پخش مستقیم برنامه‌ها از روی سایت رهپویان؛
- شرکت در دوره‌های آموزشی و تخصصی صدا و تصویربرداری؛
- پوشش صوتی مناسب در برنامه‌ها؛

- راه‌اندازی دستگاه‌های ویدئو پرژکشن در جلسات جهت استفاده کسانی که در فضای اطراف هستند.

۲-۴-۲-۶- واحد آیتی

در سال ۱۳۸۰، کمتر مجموعه‌ای در کشور بود که به دنبال راه‌اندازی سایت و حضور در فضای مجازی باشد. مثلاً سایت تبیان سال ۸۲ راه‌اندازی شد. آن زمان کسی به فکرش نمی‌رسید که وارد فضای اینترنت بشود؛ اما ما در آن سال، با توجه به اهمیت کار مجازی برای مجموعه، اولین سایت مذهبی کشور را راه انداختیم. ما کلاً سه نفر بودیم که کار را اداره می‌کردیم. توانستیم با راه‌اندازی این سایت، در فعالیت در فضای مجازی به موفقیت برسیم. اولین دلیل این موفقیت، توفیق الهی است و دلیل دوم، آینده‌نگری مسئولین مجموعه است.

نقطه قوت کار ما این بود که ما از اول بنایمان بر این بود که تشکیلاتی کارکنیم، کارها را بخش‌بندی نماییم و برای هر بخش مسئول بگذاریم که نیرو بگیرند و ما برای هر بخش برنامه بدهیم. درواقع تلفیقی از کارهای دانشگاهی و اقتصادی بود که مثلاً برای بخش «الف» یک پروژه تعریف می‌کنیم که مدت زمانش سه‌ماهه است و چند نفر رویش کار کنند و محصولش فروش رود. یا برای یک مناسبت خاص، ویژه‌نامه طراحی و اجرا شود و به همین ترتیب کار بشود و در سایت رونمایی شود.

تقریبا از سال ۷۹ تا ۸۲ فقط سایت وجود داشت و چیزی برای گفتن نداشتیم. البته یک تالار گفتمان داشتیم که بسیار فعال بود و هنوز هم پربازدیدترین تالار گفتمان فارسی مذهبی کشور است. در جشنواره رسانه دیجیتال سال ۸۸، این تالار به‌عنوان مرکز مجازی برتر فرهنگ و معارف شناخته شد. در طول سال‌های ۸۲ و ۸۳، بخش‌های جدیدی ایجاد کردیم. برای هر مناسبتی، ویژه‌نامه‌هایی در سایت راه انداختیم. مثلاً اگر کانون در ماه رمضان برنامه داشت، ما تمام برنامه‌ها و مناسبت‌های کانون را در این ویژه‌نامه منعکس می‌کردیم و تمام تولیدات کانون در آن ارائه می‌شد؛ اعم از عکس،

فیلم، صوت، مداحی، سخنرانی، برنامه درون کانون و... . هدف این بود که واقعیتی از کانون به مخاطب ارائه شود.

مخاطبان سایت عبارت‌اند از خود بچه‌های هیئت در شیراز و آن‌هایی که رفته بودند و یا در خارج بودند. ما تمام برنامه‌ها و مناسبت‌ها را از سال ۱۳۸۰ به‌صورت زنده پخش می‌کنیم.

از سال ۱۳۸۳ فاز تولید نرم‌افزار با رویکرد مذهبی را شروع کردیم. تابه‌حال ۷ نرم‌افزار تولید کرده‌ایم. دو نمونه از کارهای ما عبارت‌اند از «پیدای پنهان» و «وصال امام رضا» که تا الآن در هر جشنواره‌ای در کشور شرکت کرده‌اند رتبه آورده‌اند. یکسری نرم‌افزارهایی هم تولید شده است که حول شخصیت خود آقای انجوی‌نژاد و به‌صورت موضوعی است. نرم‌افزار بعدی ما، نرم‌افزار «عشق و ازدواج» است که روی آن کار پژوهشی انجام شده است. طراحی این نرم‌افزار به‌گونه‌ای است که اگر کسی دنبال موضوع خاصی باشد، هم در صوت و هم در متن امکان بازیابی دارد.

ما در سایت رهپویان بخش‌های زیادی داشتیم که هرکدامشان مطالب زیادی برای عرضه داشتند؛ بنابراین ما هرکدام از این ایده‌ها را تبدیل به سایت کردیم. مثل بخش خبری یا بخش طب سنتی ما که هرکدام برای خودشان یک سایت مستقل شدند. در هر سایتی همان تشکیلات سایت مادر پیاده شد. مسئول، معاون و شورای سایت در رأس سایت هستند.

نیرویی را که ما در سایت به کار می‌گیریم، باید تخصصی باشد و یکسری حداقل‌ها و همچنین تجربه مرتبط با رایانه را داشته باشد. به عبارتی، باید سواد اینترنتی داشته و یا حداقل استعداد داشته باشد که آموزش ببیند. یک‌زمانی در اوایل این‌گونه نبود و آموزش می‌دادیم؛ اما الآن دیگر نمی‌شود. ما وقتی فراخوان می‌زنیم ظرفیتمان از نیروی متخصص پر می‌شود. بعد از ثبت‌نام افراد، از آن‌ها مصاحبه‌ای می‌گیریم تا بفهمیم آیا به درد کار ما می‌خورند یا خیر و همچنین مشخص شود که تا چه مقدار می‌توانند به ما تعهد کار بدهند. نیروهای ما دانشجویند، می‌خواهند به سربازی بروند، ازدواج می‌کنند و... به همین دلیل تنوع نیرو در مجموعه زیاد است.

ما هم متناسب با نیازمان از این‌ها استفاده می‌کنیم. ما ظرفیتمان را برای یک نفری که فقط سه ماه می‌توانیم رویش حساب کنیم، نمی‌گذاریم.

ما چون در جذب نیرو وسواس داریم کمتر ریزش داریم. در جذب نیرو خیلی حساس هستیم، وقتی یک نفر جذب شد تا امکان دارد او را از دست نمی‌دهیم و با همه مشکلاتش می‌سازیم. اگر هم یک روزی رفت، ممکن است یکی دو ماه هم پست خالی بماند؛ اما باید حتماً بهترین آدم را برای آن پست بگماریم؛ هم ازلحاظ سواد فنی و هم اعتقادی.

۲-۴-۲-۶-۱- روند تربیتی در واحد

ما ۵ معاونت داریم و هر فردی، بسته به سواد خودش در هر یک از این معاونت‌ها مسئولیت می‌گیرد. مسئول واحد، جلسات مرتبی با مسئول معاونت‌ها دارد. آن ۴۰ سایت دیگر هم همین‌طور هرکدام مسئول دارند و ذیل خود معاونت دارند. البته ارتباط همهٔ این‌ها با هیئت‌مدیره کانون از طریق مسئول واحد است. هر معاونت خودشان با هم جلسه هفتگی دارند. ما از طریق این دو جلسه مطالبمان را منتقل می‌کنیم. جلسه هم بخشی‌اش کاری و بخشی‌اش فرهنگی است. سخنرانی، تذکر یا بحثی، بعد دو صفحه قرآن خوانده می‌شود و بعد هم بحث تخصصی است. هر ماه هم کل بچه‌های واحد درجایی که فضا رسمی نباشد، به‌صورت دوستانه جلساتی برگزار می‌کنند.

بزرگ‌ترین ایراد مجموعه‌های دیگر در بحث مجازی این است که هرکسی را که در رشته رایانه درس خوانده باشد، او را به‌عنوان مسئول «*IT*» منصوب می‌کنند؛ درحالی‌که دلیل نمی‌شود که هر کس رایانه خوانده باشد، بتواند در «*IT*» خوب کار کند. این مجموعه‌ها سایت هم راه می‌اندازند؛ اما چون آدم این کار را ندارند، بعد از یک هفته سایتشان تعطیل می‌شود. به‌علاوه، اگر نیروی خوبی هم داشته باشند برای آینده سایت برنامه ندارند؛ درحالی‌که باید سایت چشم‌انداز داشته باشد و تا چند وقت آینده‌اش برنامه داشته باشد.

۲-۴-۲-۶-۲- دلایل اعتقادی، مهم‌ترین دلیل ثبات در واحد

اگر بحث پول هم بشود بچه‌های ما قبول نمی‌کنند. ما سعی می‌کنیم برای نیرویمان کار، هدف، ارزش و... را خوب جا بیندازیم و او را به لحاظ فکری راه می‌اندازیم. بیشترین دلیل ماندن در واحد، دلایل اعتقادی است. بچه‌های ما برای یکی دو ساعتی که وقت می‌گذارند پیشنهادهای مالی خوبی دارند؛ اما قبول نمی‌کنند؛ چون به این کار اعتقاددارند و برای خدا کار می‌کنند.

این واحد از گروه‌های تخصصی ذیل تشکیل می‌گردد: گروه برنامه‌نویسی، گروه فلش و پویانمایی، گروه صوت و فیلم، گروه خبرنگاری و عکاسی، گروه تحقیقات و پژوهش، گروه تبلیغات و روابط عمومی.

برخی فعالیت‌های این گروه عبارت‌اند از:

- تولید نرم‌افزار وصال محرم: این نرم‌افزار پیرامون ماه محرم و شامل سخنرانی، مقالات، کتب، عکس، مداحی و... است.
- برگزاری کلاس‌ها و همایش‌های آموزشی اینترنت و کامپیوتر؛
- برگزاری مسابقات درزمینه‌های مهارت‌های کامپیوتری و مسابقات کتابخوانی؛ شامل مسابقه «وصال یاس» در سال ۱۳۸۳ درزمینهٔ فتوشاپ به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، مسابقه «خورشید خراسان» در سال ۱۳۸۵ درزمینهٔ فتوشاپ، پویانمایی در خصوص امام رضا علیه السلام، مسابقه «هشت وادی عشق»، درزمینهٔ کتابخوانی.
- برگزاری برنامه‌های آموزشی در مراسم‌های اعتکاف بزرگ جوانان استان فارس و کاروان‌های زیارتی مشهد مقدس.
- تولید نرم‌افزار وصال امام رضا برگزیده پنجمین جشنواره فرهنگی و هنری امام رضا در بخش آثار مکتوب در سال ۱۳۸۶ که شامل سخنرانی، فیلم، معرفی بخش‌های مختلف حرم، زندگی‌نامه، حدیث، مقاله، کتاب، شعر، کارت‌پستال، تصاویر حرم، بخش مخصوص کودکان، مداحی و... است.

- حضور در جشنواره ملی رسانه‌های دیجیتال و کسب مقام برتر پایگاه‌های معارف اسلامی کشور، در دو دوره متوالی.
- شرکت در جشنواره سراسری آخرین منجی در شعبان ۱۴۲۸ (مردادماه ۱۳۸۷) و کسب رتبه اول جشنواره.

۲-۴-۲-۷- واحد دانش‌آموزی

واحد دانش‌آموزی با هدف سازماندهی دانش‌آموزان عضو در کانون و ایجاد پل ارتباطی بین کانون و مدارس مختلف و به‌منظور فعال نمودن شبکه دانش‌آموزی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های موجود در مقاطع مختلف تحصیلی فعالیت خود را آغاز نمود.

فعالیت‌ها و شرح وظایف این واحد به شرح ذیل است:

- برگزاری نشست سالانه دانش‌آموزی با حضور حجت‌الاسلام انجوی نژاد با برنامه‌های متنوع؛ از قبیل تواشیح و سرود، تئاتر، سخنرانی، مسابقه و...، به‌منظور هم‌اندیشی هرچه بهتر جهت انسجام فعالیت‌های دانش‌آموزی در طول سال تحصیلی؛
- تشکیل گروه‌های رابط از دانش آموزان جهت تبلیغ فعالیت‌های مرتبط در سطح مدارس؛
- برگزاری کلاس‌های عقیدتی و فرهنگی ویژه دانش آموزان رابط برای آموزش تبلیغ؛
- هماهنگی با مدیران مدارس جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی واحد؛
- برنامه‌ریزی جهت سخنرانی حجت‌الاسلام انجوی نژاد در مدارس مختلف؛
- برگزاری مراسم‌های جشن و مولودی‌خوانی ویژه مدارس در مناسبت‌های خاص؛
- راه‌اندازی و تجهیز نوارخانه در مدارس مرتبط؛
- برگزاری مسابقه ویژه دانش آموزان و رابطین در مقاطع مختلف؛
- سرویس‌دهی هفتگی دانش آموزان جهت حضور در برنامه‌های کانون؛

- برپایی اردوهای یک روزه با برنامه‌های متنوع و هدفمند؛
- ایجاد شبکه تلفنی بین دانش‌آموزان رابط به‌منظور تبلیغات برنامه‌ها؛
- راه‌اندازی وبلاگ راه‌آموزان وصال جهت آماده‌سازی نیروها برای مقابله با تهدیدها و خطرها در محیط رسانه؛
- تهیه گاهنامه دانش‌آموزی ویژه مدارس؛
- برگزاری جشن تکلیف جهت دانش آموزان به سن بلوغ رسیده.

واحد دانش‌آموزی، دو زیرمجموعه نسبتاً بزرگ دارد که عبارت‌اند از:

۲-۴-۲-۷-۱- آموزشگاه رهپویان وصال

آموزشگاه کانون فرهنگی رهپویان وصال با مسئولیت واحد خواهران باهدف سرویس‌دهی آموزش به خواهران در تمامی زمینه‌ها با قیمتی مناسب، با ایجاد محیطی امن، با جوی معنوی و آرام و استفاده از اساتید مجرب و متعهد، تأسیس گردید.

برخی کلاس‌های این آموزشگاه عبارت‌اند از:

- هنری: خطاطی، طراحی، انواع گلسازی، هویه، طراحی روی سرامیک و... .
- علمی: برگزاری کلاس‌های درسی در تمام زمینه‌ها به‌صورت خصوصی، تقویتی و تستی.
- کامپیوتر: طراحی وب، گرافیک و... .
- قرآنی: حفظ، تجوید، روخوانی قرآن، تفسیر موضوعی، مکالمه دوره قرآن (ویژه حفاظ).
- عقیدتی: سیر مطالعاتی کتب استاد شهید مطهری.

همچنین مرکز مشاوره فرهنگی رهپویان وصال نیز در آموزشگاه کانون دایر است که درزمینه‌های اخلاقی، خانوادگی، تحصیلی، حقوقی و پزشکی فعال است. از مهم‌ترین اقدامات مدیریت محترم آموزشگاه راه‌اندازی کلاس‌های آزمون کنکور در تمامی رشته‌های تحصیلی و با همکاری اساتید مجرب و متخصص است.

۲-۴-۲-۷-۲- دبیرستان شهدای رهپویان وصال

کانون فرهنگی رهپویان وصال باسابقه ۱۲ ساله در امر فرهنگ‌سازی نسل جوان (که از بدو تأسیس دغدغه‌های فراوانی جهت ارتقاء و رشد فرهنگی جامعه داشته است)، در کنار سایر مؤسسات تحت نظارت خود بعد از تجربه موفق دبیرستان و پیش‌دانشگاهی دخترانه شهدای رهپویان وصال اقدام به تأسیس مدرسه راهنمایی و دبیرستان پسرانه شهدای رهپویان وصال نمود.

دبیرستان در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ تأسیس شد و درسال ۱۳۸۷ با شهیدشدن چهارده گل از عزاداران سید شهیدان عالم خلقت، در حسینیه رهپویان وصال نام دبیرستان به‌شهدای رهپویان وصال تغییر کرد.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، کانون با تعداد کمی نیرو شروع به فعالیت کرد؛ این تعداد کم توانستند با استفاده از تجربیات جنگ، کانون را وارد مسیر تربیت کادر کنند. بعد از اینکه کادر به بلوغ رسید، جامعه هم از ما درخواست مدرسه داشت؛ لذا ما مدرسه کانون را با اهداف ذیل، تأسیس کردیم:

۱. نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام؛
۲. تربیت نیروهای متعهد و متخصص پیرو فرمایشات رهبر معظم انقلاب: تربیت نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که در هر خانواده و جامعه‌ای وجود دارد. این امر در جامعه‌های آرمانی و دینی اهمیت زیادی دارد؛ لذا نهادهایی باید برای محقق شدن این اهداف در بخش‌های آموزشی و تربیتیِ پیش‌قدم باشند تا با اجرای صحیح تربیت که طبیعتاً از متن دین و شریعت برگرفته شده است، این جوامع رو به رشد را به عرصه بلوغ برسانند. در این میان نگاه ویژه به نوجوانان و جوانان نقش به‌سزا در پیشرفت و تعالی جامعه در حال رشد خواهد داشت.
۳. تقویت روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس در جوانان؛
۴. ترویج فرهنگ کار گروهی و تحقیقاتی به‌منظور ارتقاء سطح علمی دانش‌آموزان و ایجاد زمینه همدلی.

۲-۴-۲-۷-۲-۱- وجه تمایز مدرسه کانون با دیگر مدارس

در نگاه اول هر فردی از خود سؤال می‌کند با توجه به تعداد زیاد مدارس و دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی موجود، چرا کانون فرهنگی رهپویان وصال اقدام به تأسیس مجتمع آموزشی شهدای رهپویان وصال نموده است؟ درواقع اگر بخواهیم به‌طور صریح‌تر بیان کنیم مجتمع آموزشی شهدای رهپویان وصال چه ویژگی یا برتریِ می‌خواهد در خود ایجاد کند که در دیگر مدارس نظیر ندارد اصلاً حرف تازه این مجتمع چیست؟

۲-۴-۲-۷-۲-۱-۱- ارتباط دانش‌آموز با جامعه

عمده مدارسی که با دیدگاه مذهبی شروع به فعالیت می‌کنند با ایجاد محیط گلخانه‌ای برای دانش‌آموزان سعی در پرورش آن‌ها دارند؛ حال‌آنکه فرد پرورش‌یافته در چنین محیط‌هایی پس از خروج از محیط مدرسه به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در برابر انواع تهاجمات فرهنگی (که امروزه از آن به جنگ نرم تعبیر می‌شود) قامت راست کند، اما مجتمع آموزشی شهدای رهپویان وصال با پشتوانه کانون فرهنگی رهپویان وصال (باسابقه ۱۲ ساله) از چنین نقصی مبری است؛ درواقع دانش‌آموزان همچنان که در محیط مدرسه رشد می‌کنند (جامعه کوچک) با محیط کانون فرهنگی رهپویان وصال (جامعه متوسط) نیز در ارتباط هستند و محیط کانون نقش واسطه را برای دانش آموزان ایفا می‌کند تا آمادگی ورود به عرصهٔ جامعهٔ باز را داشته باشند.

۲-۴-۲-۷-۲-۱-۲- حمایت همیشگی کانون از دانش‌آموز

دانش آموزان در محیط مدرسه با مفاهیم مختلف آشنا می‌شوند و در محیط کانون ناخودآگاه به تمرین عملی آن مباحث می‌پردازند و پس از گذشت این دوره وارد اجتماع شده و مجموعه کانون برای همیشه نقش حمایتی خود را برای دانش‌آموزان حفظ می‌کند.

۲-۴-۲-۷-۲-۱-۳- امتیازات کادر مدرسه

نکته مهم دیگری که به مجتمع آموزشی شهدای‌رهپویان‌وصال برتری قابل‌توجهی می‌دهد وجود کادر جوان و باانگیزه در کنار دبیران باتجربه است که این نکته از جهات مختلف قابل‌بررسی است.

اول این‌که کادر جوان مجتمع آموزشی در محیط کانون رهپویان وصال پرورش یافته است و کاملاً به اهداف و آرمان‌های مجموعه واقف هستند که نتیجه این امر همسویی و همکاری در کار و کسب، بازده حداکثری است. جهت بعدی، وجود اختلاف سنی کم و قابل‌قبول بین کادر و دانش‌آموزان است که منجر به برقراری رابطه صمیمی بین کادر و دانش‌آموزان می‌شود؛ حال‌آنکه در مجتمع‌های مشابه چنین موضوعی به‌ندرت محقق می‌شود.

کادر مدرسه، جوان باانگیزه و پرانرژی هستند. تجربه ثابت کرده است که اعتماد به نیروهای جوان و حمایت از آن‌ها در هر مجموعه‌ای موجب پویایی و ثمربخش بودن برنامه‌های آن مجموعه می‌شود.

به‌علاوه، ذهن و فکر کادر در دستگاه‌ها و نظامات دست‌وپاگیر آموزش‌وپرورش منجمد نشده و می‌توانند علاوه بر گزینش راهکارهای قابل‌قبول فعلی، فارغ از تعصبات نظام کلیشه‌ای به ارائه طرح‌ها و برنامه‌های جدید بپردازند.

۲-۴-۲-۷-۲-۱-۴- استفاده از دبیران مجرب مدارس نمونه دولتی، پیش‌دانشگاهی و دبیرستان‌های مطرح

۲۵ درصد از دبیران این دبیرستان دارای مدرک فوق‌لیسانس و ۶۵ درصد بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت در آموزش‌وپرورش دارند.

۲-۴-۲-۷-۲-۱-۵- جایگاه ویژه فعالیت‌های فوق‌برنامه در مدرسه

اصل مهم دیگری که موجب تقویت مجتمع آموزشی شهدای رهپویان وصال نسبت به دیگر مجموعه‌های مشابه می‌شود، نگاه ویژه به فعالیت‌های فوق‌برنامه است. درواقع مسئولین مجتمع برآنند با برنامه‌ریزی جامع و هدفمند برای فعالیت‌های فوق‌برنامهٔ دانش‌آموزان نقص‌ها و کاستی‌های نظام آموزشی و تربیتی موجود در آموزش‌وپرورش را جبران کنند.

نکته‌ای که در این بخش می‌بایست یادآور شد این است که منظور از فعالیت‌های فوق‌برنامه صرفاً برگزاری اردوها، بازدیدها و اقداماتی ازاین‌دست نیست، بلکه ازنظر برنامه‌ریزانِ مجتمع شهدای

رهپویان وصال فعالیت‌های فوق‌برنامه شامل کلیهٔ نیازهای یک دانش‌آموز اعم از علمی، فرهنگی، ورزشی و... است.

در ادامه به بعضی از فعالیت‌های فوق‌برنامه مجتمع اشاره‌ای کوتاه می‌شود:

فعالیت‌های آموزشی

- المپیادهای علمی فرهنگی ورزشی ۲ روزه با رویکرد علمی و آموزشی؛
- کلاس‌های مطالعه و رفع اشکال در بازه‌های پیش از امتحانات با رویکرد آموزش مدرسه محور؛
- راه‌اندازی کتابخانه و نوارخانه و مرکز کامپیوتر؛
- دعوت از مشاورین آموزش‌وپرورش در جهت برنامه‌ریزی تحصیلی برای دانش‌آموزان؛
- راه‌اندازی کلاس روبوکاپ؛
- شرکت دانش‌آموزان در همایش‌های مختلف شیمی، ریاضی و...؛
- استفاده از نیروهای استعدادهای درخشان در جهت رشد و شکوفایی علمی؛
- برگزاری آزمون‌های علمی به‌صورت ماهیانه همراه با ارائه کارنامه؛
- راه‌اندازی وب‌سایت ویژه مدرسه جهت اطلاع اولیای دانش‌آموزان از وضعیت تحصیلی فرزندشان که همچنین می‌تواند به‌عنوان بانک سؤالات، تالار گفتمان و ارتباط با مشاور و... از آن استفاده نمود؛
- نظام معلم راهنما جهت ارتباط مؤثر دانش‌آموزان با دبیران و خانواده‌ها با مدرسه در محیطی صمیمی؛
- استفاده از خدمات مراکز آموزشی مختلف جهت رقابت و آماده‌سازی دانش‌آموزان در مسابقات علمی بین مدارس شهر، استان و کشور؛

- استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی با برگزاری کارگاه‌های تخصصی جهت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ارتقاء سطح علمی به‌صورت کاربردی؛
- برگزاری کلاس‌های برنامه‌ریزی جهت دانش‌آموزان و والدین آن‌ها؛
- برگزاری کلاس‌های فوق‌العاده آزمون و تشریحی جهت آماده‌سازی دانش‌آموزان؛
- تعامل با دانش‌آموزان برتر واحد بزرگ دانش‌آموزی کانون و ایجاد رقابت علمی بین آنان و دانش‌آموزان مدرسه. ایجاد زمینه شرکت در المپیادها، همایش‌ها و جشنواره خوارزمی؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی تخصصی قرآنی؛
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی رایانه و اینترنت؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی مکالمه زبان انگلیسی؛
- ساخت CD های آموزشی و فرهنگی توسط دانش‌آموزان؛
- تشکیل کلاس‌های فوق‌برنامه در دروس مختلف؛
- بازدیدهای مختلف علمی؛
- برگزاری اعتکاف علمی چندروزه و ضیافت‌های علمی یکروزه قبل از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی.

فعالیت‌های پرورشی

- اردوی زیارتی- سیاحتی مشهد مقدس با رویکرد فرهنگی – پرورشی؛
- کلاس‌های کار گروهی با رویکرد تقویت کار تیمی و استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان برتر؛
- برگزاری جام‌های مختلف ورزشی با رویکرد ایجاد شادابی و نشاط جسمی و روحی؛
- اردوهای زیارتی مناطق جنگی؛
- بازدید از آثار تاریخی و باستانی استان فارس؛
- برگزاری کلاس‌های اخلاق و تقویت ذهن؛
- برپایی نمایشگاه ویژه شهدا به مناسبت هفته دفاع مقدس؛
- برپایی نمایشگاه کتاب و نمایشگاه گیاهان داروئی؛

- برپایی نمایشگاه تهاجم فرهنگی، به همراه مسابقه؛
- تشکیل گروه‌های فرهنگی گوناگون جهت تحقق فر هنگ ها ؛
- برگزاری مناسبت‌های مذهبی؛
- شرکت دانش‌آموزان در مسابقات مختلف قرآنی، ورزشی و هنری در سطح مدرسه، ناحیه، استان و کشور؛
- برگزاری مراسم به‌یادماندنی و پرنشاط جشن تکلیف؛
- برگزاری اردوهای تربیتی تفریحی و علمی یک‌روزه و هفتگی ؛
- برگزاری همایش‌های در سطح شهر و استان با موضوعات و مسائل تربیتی و اخلاقی؛
- برگزاری کلاس‌های مشاوره و آموزش خانواده؛
- برگزاری کلاس‌های هنری، شامل نقد فیلم، تئاتر، سرود، خطاطی، رایانه، عکاسی و... کلاس‌های متنوع ورزشی؛
- برگزاری کلاس‌های متنوع فرهنگی جهت پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان در ایام تابستان؛
- برگزاری جلسات دیدار با بزرگان؛
- تشویق دانش آموزان به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد و یا سمن‌های دانش‌آموزی (NGO) بعد از دوران فارغ‌التحصیلی جهت استمرار گروهای فرهنگی و حضور فعال آنان در عرصه‌های مختلف و فرهنگی جامعه.

ترویج فرهنگ‌ها

انتخاب کلیهٔ فرهنگ‌ها با ایجاد انگیزهٔ قبلی توسط کادر و دبیران بوده و به‌صورت اختیاری توسط دانش‌آموزان اجرا خواهد شد.

- ترویج فرهنگ قرآنی (با برگزاری کلاس‌های حفظ و مفاهیم و...)؛
- ترویج فرهنگ مقدس اهل‌بیت (ع)؛
- ترویج فرهنگ نماز؛

- ترویج فرهنگ مطالعه و تحقیق (بازدید از مراکز علمی و تحقیقاتی و آزمایشگاه‌های مجهز و نیز کتابخانه‌های بزرگ)؛
- ترویج فرهنگ کار گروهی (جهت ایجاد زمینه همدلی)؛
- ترویج فرهنگ صحیح آداب معاشرت (در کلاس‌های مهارت زندگی).

همانطور که قبلاً توضیح داده شد برنامه فرهنگی فوق که قسمت قابل‌توجهی از برنامه‌های پرورشی مدرسه است، روزانه یا به‌صورت هفتگی و یا ماهیانه توسط گروه‌های فرهنگی برگزار می‌شود. در این برنامه‌ها، دانش‌آموزان با استعدادهای مختلف مشخص می‌شوند و به‌علاوه، هرماه به گروه‌های برتر جوایزی اهدا می‌گردد.

۲-۴-۲-۸- پایگاه مقاومت شهید چمران

نظر به جایگاه و اهمیت نقش‌آفرینی بسیج در جامعه و پذیرش این امر که مهم‌ترین قالب و شکلی که مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌صورت داوطلبانه در آن حضور یافته‌اند و با عضویت در آن در مقاطع حساس از ارزش‌های اسلامی و انقلاب دفاع و حمایت کرده‌اند، بسیج است، ما اقدام به راه‌اندازی پایگاه بسیج در مجموعه نمودیم.

به این فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص جایگاه بسیج باید توجه کرد: «بسیج یعنی متن مردم، آن مردمی که می‌توان امید دفاع از انقلاب را از آن‌ها داشت».[۱]

از سوی دیگر بسیج به دلیل فراگیر و مردمی بودن و ایفا کردن نقش حساس در تعاملات اجتماعی، سیاسی، نظامی و امنیتی، در کانون توجه قرار دارد؛ لذا سازمان‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی نیز که در تعامل با بسیج قرار دارند، نیاز به شناخت کارکرد بسیج در ابعاد مختلف و به‌ویژه بُعد مربوط به خود را دارند؛ لذا کانون فرهنگی رهپویان وصال، به‌منظور نیل به این اهداف مقدس با همکاری سپاه پاسداران ناحیه شیراز اقدام به راه‌اندازی این پایگاه

۱- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۶۹/۹/۱.

مقاومت در محل حسینیه خود نموده است که به لطف خداوند جزء بزرگ‌ترین پایگاه‌های شیراز بوده است.

پایگاه ما بسیج محلات است که حدود ۲۰۰ نفر عضو فعال و حدود ۱۰۰ عضو عادی دارد. اکثر اعضای کانون یا بعضی از اعضای هیئت‌مدیره عضو همین پایگاه هستند و در آن خدمت می‌کنند؛ تعداد زیادی از اعضا هم در پایگاه‌های دیگر مسئولیت دارند؛ مثلاً شخصی هست که خودش جانشین مسئول عملیات، یا عضو شورای حوزه بسیج در یک جای دیگر است؛ ولی در تبلیغات کانون هم عضو است.

افرادی که در پایگاه کار می‌کنند اعضای کانون هستند. بعضی مواقع بین مسئولین اختلاف‌سلیقه‌هایی وجود دارد که مربوط به شخص می‌شود؛ اما اختلاف ریشه‌ای که کسی با کانون یا بسیج مشکل داشته باشد وجود ندارد.

پایگاه مقاومت زیرمجموعه سپاه و بسیج است، نه زیرمجموعه کانون. پایگاه موازی با کانون است. سعی می‌کنیم در برنامه‌هایی که هست هماهنگ باشیم و هماهنگ هم هستیم. اکثر بچه‌هایی که در پایگاه هستند، در برنامه‌ها و مراسماتی که کانون برگزار می‌کند، (مثل اعتکاف، مراسم شب‌های قدر و...) مسئولیت‌هایی دارند و کار می‌کنند و این‌گونه نیست که جدا از هم باشند.

تشکیل پایگاه از طرف کانون بود. زمانی بحث پایگاه مقاومت مطرح شد که مجموعه به این نتیجه رسید که وجود پایگاه بسیج، برای این همه جوان که به اینجا می‌آیند نیاز است. از اهدافش همین بود که هم تقویت بنیه بسیج باشد و هم دوستانی که می‌آیند یک فعالیتی داشته باشند و در تشکیلات طرح کار کنند.

معمولاً دو سه شب در سال، مثلاً شب هشت محرم برنامه‌های تزئینات حسینیه دست پایگاه است. یا مثلاً سالگرد شهید چمران و یکسری برنامه‌های خاص که ما انجام می‌دهیم، به نام پایگاه شهید چمران است.

واقعاً پایگاه کانون، پایگاهی است که روی آن حساب باز می‌کنند. مخصوصاً نسبت به اغتشاشات سال ۸۸ و حتی اغتشاشات تیرماه

دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، حضور اعضای پایگاه واقعاً چشمگیر بود. این پایگاه، از آن پایگاه‌هایی است که اگر بحرانی پیش بیاید، می‌توان روی آن حساب باز کرد.

درگذشته تنش‌هایی بین ما و سپاه استان وجود داشت؛ اما اکنون آن تنش‌ها دیگر وجود ندارد و همکاری سپاه با ما خیلی خوب است. آن تنش‌ها هم که بعضاً بود، خیلی وقت‌ها طوری مدیریت می‌شد که اعضای کانون و پایگاه متوجه وجود مشکل نمی‌شدند. این‌که گفته شود سپاه از روز اول با کانون مشکل داشته است، حرف نادرستی است. اختلاف‌نظر و اختلاف‌سلیقه هست؛ ولی این‌که این اختلاف‌نظرها را بزرگ کنیم، به نفع دو طرف نیست. سپاه یک نهاد انقلابی و بازوی رهبری است. در هر تشکیلاتی، باید طوری رفتار شود که آن تشکیلات خراب نشود. چون به‌اندازه کافی حزب‌ها و اصلاح‌طلب‌ها دارند کار می‌کنند. ما اگر بخواهیم خودمان را بد جلوه دهیم خیلی قصور کرده‌ایم.

ما خودمان را اول بسیجی می‌دانیم و بسیج چیزی است که از قبل بوده و بعد هم انشاءالله خواهد بود. مجموعه کانون یک پشتوانه خوب برای پایگاه است؛ ولی نمی‌شود گفت کانون سیاست‌هایش را براساس موازین پایگاه تنظیم می‌کند.

برنامه ما این است که برنامه‌های پایگاه را به جذابیت برسانیم؛ چه به لحاظ فرهنگی و چه به لحاظ بُعدهای دیگر. اهداف ما طوری طراحی شده‌اند که برنامه‌هایمان شبیه طرح صالحین شده است و یکسری ضعف‌هایی داشت که طرح صالحین آن‌ها را پوشانده است. تلاش ما برای بهبود کیفیت کار، باعث شده که تا حدودی از کمیت اعضا کاسته شود؛ ولی بااین‌حال نیز، پایگاه بسیج ما، یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های شیراز است.

گفتار سوم: فرآیند تربیتی کانون

کانون فرهنگی رهپویان وصال همیشه در حال نیروسازی است و نیروهای در گردش کانون زیاد هستند. این نیروسازی برای خود مراحلی دارد که عبارت‌اند از جذب، تثبیت و رشد.

۱- جذب

ما یک گروه خیلی کمی در کانون داریم که راضی هستیم این‌ها فقط بیایند وقتشان را اینجا صرف کنند و بروند. چون ما اعتقاددایم یک گروه حداقل در مجموعه هستند که اگر از مجموعه ما رانده شوند دیگر در هیچ مسجد و پایگاه و حسینیه‌ای پا نخواهند گذاشت. ما به آن‌ها هم راضی هستیم. ولی نقطه هدف این است که ما سعی کنیم نمره این گروه را در این زمینه به ۲۰ برسانیم. گروهی که ما داریم روی آن‌ها کار می‌کنیم، کسانی هستند که زیر ده هستند و می‌خواهیم آن‌ها را به ده برسانیم. «ده» ها را به یازده و «یازده» ها را به دوازده؛ تا این‌که آن‌ها را به نمره ۲۰ برسانیم. همهٔ این‌ها در جایگاه خودشان دارند رشد و ترقی می‌کنند. ما سعی می‌کنیم در این مرحله دوستانمان را به ترک گناه و انجام واجبات سوق دهیم. ما گروه‌های محدودی داریم که با دین غریبه هستند، پدر و مادرشان اصلاً اهل نماز و خمس و زکات نیستند. یا پدر خانواده مشروب‌خور است؛ حال، دختر یا پسر او وارد مجموعه ما شده و نمازخوان شده است. آن‌ها را هم ما داریم می‌کشانیم و جذب می‌کنیم؛ ولی متوقفشان نمی‌کنیم.

اگر کسی بخواهد جوادی آملی بشود باید کوشش و تلاش بکند. این ظرفیت در کانون نیست؛ ولی این ظرفیت را ما در درونش فعال می‌کنیم. خیلی از دوستان ما طلبه‌های طراز اول قم هستند. این‌ها دبیرستانی بودند که به کانون آمدند. راهنمایی بودند آمدند و الان

در قم درس خارج فقه می‌خوانند؛ یعنی در مسیر جوادی آملی شدن هستند.

۱-۱- شیوه جذب

ما اعتقادداریم بالاترین جذبه در مسیر خدا را، امام حسین[علیه السلام] دارد. حال اگر بچه‌ها را به عشق امام حسین به مجموعه جذب کنیم و بعد بتوانیم به این عشق و این شور و حرارت، جهت بدهیم و به افراد معرفت و خوراک فرهنگی بدهیم، نشان می‌دهد که موفق عمل کرده‌ایم. حتماً ما از شور و احساسات جوانان استفاده می‌کنیم. اصلاً اگر این شور و احساس نباشد، شاید جوان جذب نشود و این طبیعی است که هر کس وارد مجموعه شود، در برخورد اول همه‌اش شور می‌بیند؛ ولی وقتی آن را تجزیه‌وتحلیل کند، حقیقت را درمی‌یابد. ما در جلساتمان، تلاوت قرآن و نماز جماعت داریم. این، جزء اصولی است که ما از روز اول به آن اعتقاد داشتیم. هیچ جلسه‌ای در کانون نیست که یا شروع و یا پایانش با نماز نباشد. ایام عاشورا جلسة ما به نماز ظهر عاشورا ختم می‌شود.

قدیمی‌ها می‌گویند اگر یک نفر از جلوی هیئتت رد می‌شود، وادارش کن یک چایی از هیئت بخورد، این چایی کار خودش را خواهد کرد؛ یعنی ما به این چایی هم راضی هستیم. اگر نوجوان با امام حسین[علیه‌السلام] رفیق- به معنای واقعی- شود، اگر یک‌بار لغزش کند، بار دوم خجالت می‌کشد و همین رودربایستی باعث نجاتش خواهد شد.

۱-۲- ۱-۲. عوامل جذب نیرو به هیئت

۱-۲-۱- ۱-۲-۱. جذابیت بیانی

ما از ابتدا به کمک جذابیت بیانی یکسری از دانش‌آموزان را به مجموعه جذب کردیم. سعی می‌کنیم برخلاف یک عده از سخنرانان که آمرانه صحبت می‌کنند، در صحبت با جوانان از ادبیات خودشان استفاده کنیم.

۱-۲-۲- ۱-۲-۲. تشکیلات

بیان هر چیزی باشد به‌هرحال عادی می‌شود؛ بنابراین تشکیلات این امر را پوشش می‌دهد. تشکیلات، یعنی اگر کسی می‌آمد، فرم پر می‌کرد و با توجه به توانایی‌اش در واحدهای مختلفی که قبلاً داشتیم تقسیم می‌شد.

۱-۲-۳- ۱-۲-۳. روحانی، مداح هیئت

اینکه هیئت باید مداحش همان سخنرانش باشد خیلی مهم است. من خودم الآن آنقدر تأکید ندارم که مداحی جلسه را در دست بگیرم؛ ولی اوایل تمام مداحی‌ها را خودم انجام می‌دادم. برای اینکه دیده بودم اگر این دو یکی نباشد مستمع دوتایی می‌شود؛ یک عده موقع منبر می‌آیند و یک عده موقع مداحی. الآن هم این کار را ادامه می‌دهیم. ما فقط برای جلسات عادی مداح دعوت می‌کنیم؛ مثلاً در شب‌های ماه مبارک رمضان مداح دعوت می‌کنیم؛ جز در شب‌های قدر که خودمان مداحی می‌کنیم. در محرم و صفر، پنجاه شب (از دهه دوم ماه محرم) مداح دعوت می‌کنیم؛ اما در دهه اول مداحی را خودمان در دست می‌گیریم. دلیل این کار این است که اوج فوران مستمع در ماه رمضان، شب‌های قدر است و در محرم و صفر، دهه اول محرم است؛ بنابراین، ما باید در این ایام خودمان را معرفی کنیم. مستمع باید به این هیئت مقید شود؛ بنابراین روی این نکته خیلی تأکیدداریم؛ چون هیئت‌هایی را دیده‌ایم که یک مداح معروف را دعوت می‌کنند و مجلس چندین هزارنفره‌ای برپا می‌کنند؛ اما وقتی‌که تمام شد، باوجود این‌که برای جلسه هفته بعدشان تبلیغات زیادی می‌کنند، ولی از دو هزار نفر، پنجاه نفر در آن شرکت می‌کنند.

۱-۲-۴- ۱-۲-۴. جذابیت مداحی و سینه‌زنی

نباید جذابیت مداحی و شور را دست‌کم گرفت. ما حتماً روی مداحی کار می‌کنیم. ما در طول سال، هفتاد الی هشتاد مداح دعوت می‌کنیم. به‌هرحال لازمهٔ این کار است. مردم فقط در پی معارف نیستند. باید در حاشیه آن، یک جذابیتی هم ایجاد کنیم.

۱-۲-۵- عدم تکرار در محتوای سخنرانی

سعی کرده‌ایم تابه‌حال تکراری صحبت نکنیم؛ یعنی تقریباً این چهار هزار جلسه‌ای که صحبت کردیم تکراری نبوده است.

۱-۲-۶- منبرهای با پشتوانه

روحانی هیئت، باید مطالعه زیادی داشته باشد، خیلی تحقیق انجام دهد و با یک پشتوانه قوی منبر برود و اینگونه باعث شود که همه، اعم از پیر و جوان، از سخنرانی او بهره ببرند.

۱-۲-۷- حضور پرشور جوانان

یکی از محاسنی که کانون دارد و در کمتر جایی دیده می‌شود، جذب بالای آن است. ما در مقاطع مختلف زمانی و کاری نظرسنجی می‌گیریم. یکی از چیزهایی که همیشه در نظرسنجی هست، این است که جوانان می‌گویند اولین چیزی که ما را جذب کرد، جمعیت زیاد جوانی بود که در این مجموعه است و ما مبهوت شدیم که این‌همه جوان در مسجد چه می‌کنند.

۱-۲-۸- روحیه جهادی و اخلاص مسئولین مجموعه

یکی از عوامل جذب نیرو به کانون، اخلاص مسئولین این مجموعه است.

۱-۲-۹- به‌روز بودن مربی

معلمی که به‌روز نیست، جذاب نیست، فیلم‌های روی پرده سینما را نداند، نتواند سریال‌ها را تحلیل کند، بازی‌های کامپیوتری روز را نگیرد و بازی نکند معلم نیست. ما نمی‌گوییم از محدودهٔ شرع خارج بشود و هر منکری را برود و دستیابی پیدا کند؛ ولی می‌گوییم باید به‌روز باشد؛ بنابراین، چه به لحاظ آموزگار و چه به لحاظ محیط، باید دانش‌آموز را جذب کنیم.

۲- تثبیت

دومین مرحله کار تربیتی، تثبیت است. برای تثبیت نیرو باید از روش‌های مناسبی استفاده کنیم. این روش‌ها عبارت‌اند از:

۲-۱- فضاسازی

وقتی کسی می‌آید در فضایی مثل کانون قرار می‌گیرد و می‌بیند که بلد نیست نماز بخواند، این نیاز برایش اتفاق می‌افتد که به‌عنوان بچه مسلمان، باید نماز و قرآن بلد باشد و احکام دین را بداند. این نیاز در این فضا اتفاق می‌افتد. حتماً نباید به او بگوییم برو احکامت را بخوان. وقتی در آن فضا قرار بگیرد، خودش متوجه می‌شود. فضاسازی که بکنیم متوجه می‌شود و خودش می‌گوید من نیاز دارم که به من قرآن و احکام درس بدهید. آن موقع برایش کلاس قرآن، احکام و... می‌گذاریم.

بنابراین، به طلبه‌هایمان می‌گوییم در غرفه ننشینید تا به شما رجوع کنند.[۱] می‌گوییم شما طلبه‌ها با بقیه غرفه‌ها فرق می‌کنید. بقیه غرفه‌ها به‌گونه‌ای هستند که باید به آن‌ها رجوع کنند؛ ولی کار شما طوری نیست که نیاز باشد کسی به شما رجوع کند. شما بزنید بروید وسط جمعیت. اصلاً شما نباید غرفه داشته باشید. می‌گوییم مثلاً بزرگ‌ترها یا ریش‌سفیدها باید بنشینند که به آن‌ها رجوع بشود؛ ولی تو طلبه جوان باید بروی و رجوع بکنی. این نیاز دوطرفه است. هم این نیاز را ایجاد می‌کنیم و هم خودش احساس نیاز می‌کند که به ما رجوع کند و ما می‌رویم آن نیاز را زنده می‌کنیم. آن فضا که ایجاد می‌شود احساس نیاز می‌کند. فضاسازی که می‌شود طرف متوجه می‌شود.

۲-۲- پیوند کار با زندگی

یکی از راه‌های تثبیت افراد در مجموعه این است که کار فرهنگی را با زندگیشان پیوند بزنیم. همان روزهای اول، یک کارمند استخدام کردیم و از پول خودمان ماهیانه به او حقوق می‌دادیم. ما با یک نفر کار را شروع کردیم؛ ولی به‌تدریج بر تعداد کارمندان افزوده شد. الآن به‌جایی رسیده است که کارمندان ما حرفه‌ای شده‌اند و اغلبشان، حقوق خودشان را درمی‌آورند؛ مثل کادر دبیرستان و مدرسه راهنمایی، مرکز مشاوره و شرکت‌های کامپیوتری و... خیلی

۱- ما در ایام اعتکاف غرفه داریم؛ مثل غرفه طلاب، غرفه امداد، غرفه ورزش.

از واحدهای دیگر هم هستند که به‌تناسب راجع به آن‌ها بحث خواهد شد.

تفکرمان برای آینده هم همین بوده است و یکی از کارهایی که انجام می‌دهیم، این است که داریم بچه‌ها را حرفه‌ای می‌کنیم؛ به‌طوری‌که این کار جزء زندگی‌شان باشد و حقوقی را که لازم دارند دربیاورند. بعضی کارها حقوقِش پایین است، طبیعتاً کادرش هم خیلی متغیر می‌شود. مثلاً کسی می‌خواهد برود خدمت، شش ماه، یک سال وقت دارد؛ اما بعضی کارها خیر، تخصصی است، این‌ها جزء زندگی آن‌هاست. بچه‌هایی هستند که تخصص لازم را می‌بینند. کارهای جدیدی را هم داریم افتتاح می‌کنیم که حرفه‌ای هستند؛ مثل خبرگزاری، مرکز نشر و انتشارات و...؛ یعنی یک‌چیز کاملاً مجموع.

در این نوع کارها کانون باید یک پول اولیه بگذارد ولی بعد از یک سال خودشان راه می‌افتند و هزینه‌های خودشان را درمی‌آورند. البته تابه‌حال به‌غیراز فروشگاه‌های ما، بقیه قسمت‌ها سوددهی نداشته‌اند و فقط خرج خودشان را درمی‌آورند. ما هم راضی هستیم، کار انجام می‌شود و زندگی‌شان را می‌کنند و کارهای دیگر هم بر عهده می‌گیرند.

۲-۳- امتحان گرفتن بعد از جذب

بعدازاینکه جذب صورت گرفت و ما فراخوان برای کادر زدیم، افراد مراجعه می‌کنند و حیطه علاقه‌مندی خود را بیان می‌کنند. از این افراد امتحانی گرفته می‌شود[۱] و اگر نمره بالای ۱۶ کسب کردند، به اردویی که برای آن‌ها در نظر گرفته‌ایم دعوت می‌شوند. در این اردو، نیروهای ما در جلسات خاصی، با عنوان «مدیریت فرهنگی»، شرکت می‌کنند. در این جلسات، از قرآن و احکام، مباحث تشکیلاتی، عقاید و... ارائه می‌شود.

۱- منبع این امتحان، جزوه «آنچه کادر باید بداند»، تألیف آقای انجوی‌نژاد، است.

۲-۴- درگیر کردن خانواده

ما نباید فقط خودِ نیرو را ببینیم. این شخص یک پدر، مادر، خواهر و برادر هم دارد و در کل خانواده دارد. اگر برای خانواده‌ها برنامه داشته باشیم، این ثبات ایجاد می‌شود و می‌ماند. اگر قرار باشد جوان بیاید زیردست ما و در اختیار ما قرار بگیرد، باید خانواده را راضی کرد. یکی از کارهایی که کردیم طرحی دادیم به نام اردوی خانواده‌ها. جالب است ما سالی دو سه بار پدر و مادر همین بچه‌ها را می‌بریم مشهد که مورد استقبال زیادی واقع شده است. ما در این سفر، نسبت به حال خودشان برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم.

سبک برگزاری اردوی ما همراه با خانواده فرق می‌کند. اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی، کلاً ضوابط خاص خودش را دارد؛ ولی سفر خانواده‌ها، سفر کاملاً بازی است یا با هواپیما می‌بریم یا با اتوبوس خوب، با یک هتل شیک و غذای خوب، نزدیک حرم. تعدادی هم هدیه می‌دهیم. همین اردو باعث می‌شود که حتی در مواردی که فرزند خانواده سست می‌شود، پدر و مادرش او را ترغیب و وادار می‌کنند که در برنامه‌های مجموعه شرکت کند.

۳- رشد

بعد از مرحله تثبیت، نوبت به رشد می‌رسد. برای موفقیت در این مرحله، باید کارهایی را انجام داد که در ادامه آن را توضیح خواهیم داد.

۳-۱- مسئولیت دادن در هیئت

وقتی شخص وارد کادر شد، در جلسات هفتگی حضور مستمر و مرتب پیدا می‌کند. در جلسه و متناسب با کاری که انجام می‌دهد به او مسئولیت می‌دهند و محکش می‌زنند. در این جلسات، استاد می‌آید و مباحث مختلف تربیتی، اخلاقی و... مطرح می‌شود؛ بنابراین هرکس مسئولیت می‌گیرد به این جهات نباید مشکل داشته باشد؛ وگرنه دوباره باید برگردد و این سیکل را طی کند. سیستم ما کلاسیک نیست. طوری نیست که بچه‌ها فرار

کنند و ریششان گرو نیست؛ بنابراین باید برای آن‌ها جذابیت کامل ایجاد کرده باشیم. به همین خاطر برخی جلسات ما در پارک‌هاست و برخی در اردو.

۳-۲- ارتباط مستمر مسئول واحد با نیرو

عمده تأثیر مسئولین، رفتاری است تا گفتاری. هر واحدی خودش مسئول فرهنگی و اجرایی دارد؛ یعنی همان سیکل در واحد هم هست. مسئول واحد باید جواب بدهد که قبل از اینکه نیرو برای کانون کاری انجام بدهد، کانون می‌خواهد چه‌کاری برای آن شخص انجام دهد.

نحوه ارتباط مسئول واحد با افراد زیردستش اَشکال گوناگونی دارد، از ارتباط پیامکی گرفته تا ارتباط با خانواده آن فرد که بتواند خانواده نیرویش را همراه کند و باعث شود که حتی گاهی خانواده، نیرو را سوق بدهد به سمت کانون. وقتی خانواده می‌بیند بچه‌اش به لحاظ اعتقادی رشد کرده و به لحاظ درسی بهتر شده است و از طرفی برای خود خانواده هم کلاس‌های آموزشی برگزار شود، خود خانواده مشوق فرزندشان خواهند بود.

گفتار چهارم: برنامه‌های کانون

کانون رهپویان وصال، دو دسته برنامه دارد؛ برنامه‌های ثابت و برنامه‌های متغیر. برنامه ثابت ما، جلسات هفتگی شنبه‌شب‌ها است که با استقبال قابل‌توجه جوانان مواجه شده است. برنامه ما در این جلسات به این شرح است: اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء، قرائت قرآن کریم، ارائه سخنرانی در موضوعات اخلاقی، قرآنی و مسائل روز، مناجات و توسل و تمسک به درگاه الهی و اهل‌بیت (ع) با توجه به مناسبت‌های موجود با استناد به حدیث ثقلین پیامبر اکرم (ص) مبنی بر توسل مستمر به قرآن و اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) با توجه به مناسبت‌های اسلامی و اجتماعی روز.

مراسم عیدالزهراء، جشن میلاد پیامبر اکرم (ص)، سالگرد ارتحال امام (ره)، ایام فاطمیه، احیای شب ۲۷ ماه رجب، میلاد کربلائیان، احیای نیمه شعبان، شب‌های ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، احیای شب و نماز عیدسعیدفطر، دعای عرفه، جشن عید غدیرخم، دهه اول محرم، شهادت حضرت رقیه (س)، سوگواری دهه آخر صفر، مراسم سالگرد شهادت دکترچمران، اعتکاف بزرگ جوانان، کاروان‌های زیارتی مشهد مقدس، دوره‌های آموزشی ویژه اعضای کادر، از دیگر برنامه‌هایی است که ما به‌صورت ثابت و مستمر در هرسال انجام می‌دهیم.

مهم‌ترین برنامه‌های متغیری که ما تا الآن انجام داده‌ایم عبارت‌اند از: اردوی آموزشی منتخبین دانشجو، کاروان بازدید از مناطق جنگی، یادواره شهید «زنگی‌آبادی»، نمایشگاه «زیتون سرخ» (پیرامون شناخت صهیونیست، وقایع آخرالزمان، هالیوود، انتفاضه فلسطین و آینده آن و...)، کاروان زیارتی کربلای معلا، یادواره شهدای «شهیدآباد»، هم‌اندیشی نقد فیلم «مارمولک»، هم‌اندیشی «پرستوهای برباره»، نشست «آمریکا از روزنه جدید»، «قصیده

ناتمام» و «سحر سرخ»، (نشست ادبی و شب‌شعر شهادت حضرت زهرا (س))، هم‌اندیشی فیلم «مصائب مسیح»، یادواره زلزله بم، عیادت از بیماران بیمارستان نمازی، همایش وبلاگ‌نویسی، بازدید از آسایشگاه جانبازان، هم‌اندیشی «دشمن‌شناسی»، هم‌اندیشی «آخرین مهاجر» (مصاحبه با جاماندگان ارزشمند دوران دفاع مقدس در سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸)، هم‌اندیشی «ماهواره، آری یا خیر؟»، هم‌اندیشی «مزدوجین»، هم‌اندیشی «پلان عشق» (بررسی نقش جایگاه سینما و هنر هفتم در اعتلای فرهنگ دفاع مقدس در هفته دفاع مقدس)، غبارروبی گلزار شهدا، همایش «مثل آتش که در دل‌سنگ» (با محوریت صهیونیست، جهان اسلام و هم‌آوایی با انتفاضه فلسطین، تشکیل اسرائیل، هلوکاست، روند صلح در خاورمیانه و فرجام جهان)، هم‌اندیشی «هنر متعهد»، همایش «نظریه‌پردازی و نهضت تولید علم»، همایش «بانوی نور و آینه».

گفتار پنجم: آسیب‌شناسی

ما در این مبحث، موضوع آسیب‌شناسی را در دو گفتار بررسی می‌کنیم. در گفتار اول، آسیب‌های ناظر به کانون رهپویان وصال را بررسی می‌نماییم و در گفتار دوم، به بررسی آسیب‌های ناظر بر سایر مجموعه‌های فرهنگی و تربیتی می‌پردازیم.

۱- آسیب‌شناسی کانون

اگر از کارمان در کانون راضی باشیم، دیگر کانون رشد نمی‌کند. واقعیت هم این است که آنقدری که تلاش می‌کنیم، جواب نگرفته‌ایم. موفقیت یک مجموعه، در رسیدن یا لااقل نزدیک شدن به هدفش تعریف می‌شود؛ پس تا این لحظه موفقیت برای ما تعریف نشده است؛ چون به هدفمان که زمینه‌سازی ظهور است، نزدیک نشده‌ایم.

در طول مسیر فعالیت در کانون، یک سری مشکلات و آسیب‌ها وجود داشته است که ما برای رسیدن به موفقیت، باید آن‌ها را شناسایی و حل نماییم. در ادامه بحث، این آسیب‌ها را توضیح می‌دهیم.

۱-۱- فاصله گرفتن نیروهای اجرایی از معارف

کادر که کارشان سنگین می‌شود، دیگر نمی‌رسند که خودشان از مباحث و معنویات استفاده کنند. این آفت خیلی بزرگی است. برای رفع این مشکل، ما اعضای بعضی از واحدهایمان را گردشی کرده‌ایم. ولی نمی‌توانیم بعضی از واحدها را گردشی کنیم؛ مثلاً در انتظامات و حراست نمی‌شود هرکسی را به کار گرفت. این مشکل باعث می‌شود که به‌تدریج از معارف فاصله بگیرند. ما سعی می‌کنیم در اردوهای کادری، این نقیصه را جبران کنیم؛ ولی نمی‌شود.

الآن بعضی از اعضای کانون اجرایی شده‌اند و تماماً سخت‌افزاری هستند. بعضی از این‌ها حاضرند شش روز در آشپزخانه کار کنند؛ ولی نیم ساعت جلسه را نمی‌توانند تحمل کنند. فاصله گرفته‌اند و فضای ذهنی‌شان رفته به سمت جاروکشی. مثلاً می‌بینیم که شخص کاری هم ندارد که بخواهد انجام دهد؛ ولی بیرون ایستاده است؛ یعنی نمی‌تواند داخل بیاید. این‌قدر در این مدت مسئولیت سرش بوده فکر می‌کند اگر داخل بیاید جهان اسلام کن فیکون می‌شود و اسرائیل موشک هسته‌ای می‌زند. این‌گونه توهم برای او ایجاد شده است. ما خیلی تلاش کردیم که این مشکل را مرتفع کنیم؛ ولی به‌هرحال، یک‌درصدی این‌گونه هستند.

۱-۲- کار عمومی خاشاک دارد

مجموعه‌ای که انتقاد به آن وارد نباشد، اصلاً مجموعه نیست و اصلاً کار نکرده است. انسان وقتی کار نکند نه آفت می‌زند و نه انتقاد به او وارد است. قانون این است که حرکت عمومی با خودش خس و خاشاک می‌آورد. وقتی ما در عموم جامعه کار می‌کنیم، حتی در حرم امام رضا[علیه‌السلام] هم حتماً دزد هست. دلیل بر این نیست که چون جای مقدسی است دزد ندارد. مجموعه ما همین‌طوری است. وقتی کار عمومی بکنیم باید آن تحمل را هم داشته باشیم که کار عمومی خاشاک دارد و برای دفع و رفع آن برنامه‌ریزی کنیم.

۱-۳- وجود واحدهای آسیب‌زا

بعضی از واحدهایی که ما راه انداختیم، آسیب‌های زیادی داشتند و آن‌ها را تعطیل کردیم. خیلی از کارهایی که نباید می‌کردیم، کردیم. خیلی از کارهایی که باید می‌کردیم، نکردیم.

۱-۴- غرور

بزرگ‌ترین آفتی که می‌تواند گریبان ما را بگیرد، آفت کبر و غرور است؛ یعنی فکر کنیم کسی شده‌ایم و اهمیتی داریم.

۱-۵- کمبود فعالیت‌های قرآنی

صبغهٔ هیئتی کانون خیلی بالاست؛ اما هیئت شور قضیه است. ما برای ارتقای فرهنگ به قرآن هم محتاجیم؛ اما فعالیت‌های قرآنی در کانون کم است.

۱-۶- غلبه کمیت بر کیفیت

بچه‌های ما بنیانی و ریشه‌ای نمی‌توانند روی مباحث تربیتی کار کنند. ما خودمان هم بلد نیستیم؛ و باید بیشتر بخوانیم؛ اما این نگاه نیست. معمولاً عاقبت مجموعه‌های کمی‌گرا، قربانی شدن کیفیت در ذاتشان است و استثنایی هم نداریم؛ اما داریم سعی می‌کنیم بچه‌هایی را که یک مقدار دغدغه دارند تأمین کنیم؛ ولی هنوز آن سازوکار اصلی که بتوانیم بر اساس آن، این طرح را با موفقیت عملی کنیم، طراحی نشده است.

۱-۷- کم شدن امکان کار عمیق تربیتی در هیئت

به دلیل این‌که ما افراد را فقط در جلسات شنبه‌شب‌ها می‌توانیم ببینیم، امکان کار تربیتی عمیق روی آن‌ها نداریم. ما خیلی هنر کنیم هفته‌ای دو جلسه همدیگر را ببینیم. بیشتر مراودات ما هم کاری است. مثلاً بچه‌های تبلیغات خیلی همدیگر را می‌بینند؛ ولی وقت نمی‌کنند دورهم بنشینند و صحبت کنند؛ زیرا تمام‌وقتشان را مسائل مربوط به نصب پارچه و پوستر و... می‌گیرد. لذا باید یک فضای تخصصی وجود داشته باشد که ساعاتی در هرروز، مربی با متربی جلسه داشته باشد. این محیط‌ها در هیئت‌ها، غیرممکن است ایجاد شود.

اما درعین‌حال، هیئت یکسری ظرفیت‌هایی برای این افراد ایجاد کرده است که در جای دیگری پیدا نمی‌شود. به‌عنوان‌مثال، قسمت‌های مختلفی در هیئت وجود دارد که شخص می‌تواند برود و بدون دغدغه در آن قسمت‌ها فعالیت کند؛ از قبیل واحد تدارکات، واحد تبلیغات و...؛ ولی چنین فضاهایی در جاهای دیگر، مثل مدرسه و... وجود ندارد.

۲- آسیب‌شناسی سایر مجموعه‌های تربیتی

بعضی اوقات در گوشه‌کنار مشاهده می‌کنیم که برخی از مجموعه‌های تربیتی در کار خود موفق نمی‌شوند و پس از مدتی منحل می‌گردند. بعضی از دلایلی که برای این عدم موفقیت به نظر ما می‌رسد به شرح زیر است:

۱. نداشتن علم، طرح، برنامه و فن کار تبلیغی؛
۲. به کم اکتفا می‌کنند و به اولین موفقیتی که می‌رسند راضی می‌شوند. چون به کم اکتفا می‌کنند، درجه اخلاصشان هم پایین است و زود مغرور می‌شوند. قطعاً وقتی این اتفاق بیفتد، اختلاف پیش می‌آید؛
۳. اسم خود مجموعه مهم‌تر از اسم خدا می‌شود؛
۴. عدم ظرفیت در مقابل کمبودها، ناهنجاری‌ها و توهین‌های روبرو؛
۵. کسانی هستند که در این راه «الذین قالوا ربنا» را می‌گویند؛ اما «ثم استقاموا» را رعایت نمی‌کنند؛
۶. عدم حمایت بزرگان از این نوع مجموعه‌ها.

به‌هرحال در هر مجموعه‌ای از این مسائل پیش می‌آید؛ ولی ما نسبت به مجموعه‌های مشابه تنش کمتری داشته‌ایم. گاهی اوقات هم به وظیفه‌مان خوب عمل‌نکرده‌ایم که این هم برای ما شکست محسوب می‌شود.